

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کوفان پاخت آئنده همان «نجف»

«مکاتی درباره شهرنجف، جهت استفادہ مبلغین اربعین حسینی علیہ السلام»

ابراہیم دستلان

کوفان پایتخت آینده جهان ۱

کوفان پایتخت آینده جهان ۲

فهرست کلی:

| | |
|---|----|
| نجف | ۶ |
| مسمای نجف | ۶ |
| وجه انتخاب مکان قبر مطهر توسط حضرت علیؑ | ۶ |
| فضائل شهر نجف در روایات | ۸ |
| شهادت مولا و کیفیت دفن | ۱۴ |
| قبور انبیا | ۱۸ |
| آدم و نوح | ۱۸ |
| قبر آدمؑ | ۱۹ |
| هود و صالح | ۲۱ |
| تعداد انبیا | ۲۲ |
| فضل زیارت مولا | ۲۳ |
| الف: زیارت پیامبر ﷺ و رهایی انسان | ۲۳ |
| ب: پاداش قدم‌های زائر | ۲۳ |
| ج: پاداش حج و عمره | ۲۴ |
| د: پاداش شهدا | ۲۵ |
| ه: باز شدن درب آسمان‌ها | ۲۶ |
| و: بهشت | ۲۷ |
| ز: کسب رحمت الهی | ۲۷ |
| برخی از فضائل مولا امیرالمؤمنین علیؑ | ۲۹ |
| توضیح قسمتهای داخل حرم | ۳۱ |
| نادرشاه در حرم شاه نجف | ۳۱ |
| دو روایت | ۳۲ |
| علیؑ مانند کعبه | ۳۳ |
| رجحان ایمان علیؑ بر تمام آسمانها و زمین | ۳۳ |
| شعر | ۳۳ |
| موضع الاصبغین | ۳۵ |
| زیارت سر مقدس امام حسین علیؑ | ۳۷ |
| الف: کربلا | ۳۷ |

کوفان پایتخت آینده جهان ۳

- ب: نجف اشرف در کنار قبر حضرت علی علیه السلام ۳۸
- ج: کوفه ۳۸
- د: مدینه ۳۹
- ه: شام ۳۹
- و: رقه ۳۹
- ز: مصر (قاهره) ۳۹
- علمای مدفون در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۰
۱. شیخ طوسی (۳۸۵ ق - ۴۶۰ ق) ۴۰
۲. علامه حلّی (۶۴۷ ق - ۷۲۶ ق) ۴۰
۳. ابن طاووس (۵۸۹ - ۶۶۴ ق) ۴۱
۴. مقدس اردبیلی (۱۲۴۹ ق - ۱۳۵۰ ق) ۴۱
۵. شیخ محمد حسن صاحب جواهر (ت ۱۲۰۰ ق) ۴۱
۶. سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵ ق - ۱۲۱۲ ق) ۴۱
۷. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ ق - ۱۲۸۱ ق) ۴۲
۸. ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ ق - ۱۲۴۵ ق) ۴۲
۹. میرزای شیرازی (۱۲۳۰ ق - ۱۳۱۲ ق) ۴۲
۱۰. میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ ق - ۱۳۲۰ ق) ۴۲
۱۱. شیخ عباس قمی (ف ۱۳۵۹) ۴۳
۱۲. علامه نائینی (ف ۱۳۵۵ ق) ۴۳
۱۳. سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ ق - ۱۳۶۵ ق) ۴۳
۱۴. شیخ محمد حسین کمپانی (۱۲۹۶ ق - ۱۳۶۱ ق) ۴۳
۱۵. سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷ ق - ۱۳۲۸ ق) ۴۳
۱۶. شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء (ف ۱۲۲۷ ق) ۴۴
۱۷. سید ابوالقاسم خویی (۱۳۱۷ ق - ۱۴۱۳ ق) ۴۴
- اماکن دیگر زیارتی نجف ۴۵
- وادی السلام ۴۵
- خرید منطقه وادی توسط امیرالمؤمنین علیه السلام ۴۵
- حضور مولا در وادی السلام ۴۶
- مقام امام زمان علیه السلام ۴۷
- تشریف سید ابوالحسن اصفهانی در مقام صاحب الزمان علیه السلام ۴۷

- کوفان پایتخت آینده جهان ۴
- عبور حضرت مهدی علیه السلام از وادی السلام در ظهور ۵۰
- مرحوم قاضی طباطبائی ۵۰
- اثیب یمانی (صافی صفا یمانی) ۵۱
- نجف در ظهور ۵۲
- برخی معارف مولا علی علیه السلام ۵۴
- چابکی در راه ولی خدا ۵۴
- دنیا چون گردویی در کف مولا ۵۴
- نگین انگشتر ۵۵
- سختی پیامبر از دوری علی صلوات الله علیهما و آلهما ۵۷
- وادی مورچگان ۵۷
- اصحاب سوسمار ۵۸
- علی علیه السلام خلیفه چهارم ۵۹
- حدیث حارث همدانی ۶۰

نجف

مسمای نجف

یکی از وجوهی که برای تسمیه این شهر بیان شده است آن است که این شهر را از آن رو نجف نامیده اند که نسبت به زمین های مجاور بلند، و به سبب آن که مستطیل شکل و یا دایره ای است، آب بر سطح آن جمع نمی شود. به گفته یاقوت حموی نجف ساحل دریای شور است که در قدیم به حیره متصل بود.^۱

وجه تسمیه دیگر این شهر برگرفته از روایتی است که ابی نعیم از حضرت امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن جناب فرمودند: نجف همان کوهی بود که پسر نوح گفت: «سَاوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ»^۲ (بزودی بالای کوهی خواهم رفت که من را از غرق شدن در آب حفظ می کند). و روی زمین کوهی بزرگتر و مرتفع تر از آن نبود، باری حق عزوجل به کوه خطاب فرمود: ای کوه، آیا از من به تو باید پناه برده شود؟ پس کوه بلافاصله تکه تکه گردید و به طرف بلاد و سرزمین های شام پرتاب و به ریگهای ریز و کوچکی مبدل گشت و بعد از آن به صورت دریایی عظیم درآمد و به دریای «نی» نامیدنش سپس خشک شد و به آن نی جف گفتند بعد از آن مردم آن سرزمین را «نجف» خواندند زیرا اداء آن بر زبانشان سهل تر و آسان تر بود.^۳

وجه انتخاب مکان قبر مطهر توسط حضرت علیؑ

الف) خبر دادن رسول خدا ﷺ از محل دفن حضرت علیؑ
مرحوم سید ابن طاوس می گوید: در کتاب حسن بن الحسین بن طحال مقدادی دیدم که به روایت ابن عباس، رسول خدا به امام علیؑ فرمود: تو در کوفه دفن می شوی:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِعَلِيِّؑ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَرَضَ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَوْلَى مَنْ أَجَابَ مِنْهَا السَّمَاءَ السَّابِعَةَ قَرَيْبَهَا بِالْعَرْشِ

۱. عتبات عالیات عراق، اصغر قائدان.

۲. سوره هود، آیه ۴۳.

۳. علل الشرائع / ترجمه: ذهنی تهرانی، ج ۱، ص: ۱۲۷.

کوفان پایتخت آینده جهان ۷

وَالْكَرْسَى ثُمَّ السَّمَاءَ الرَّابِعَةَ فَرَيْنَهَا بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ السَّمَاءَ الدُّنْيَا فَرَيْنَهَا بِالنُّجُومِ ثُمَّ
أَرْضَ الْحِجَازِ فَشَرَّفَهَا بِالْبَيْتِ الْحَرَامِ ثُمَّ أَرْضَ الشَّامِ فَرَيْنَهَا بِبَيْتِ الْمَقْدَسِ ثُمَّ أَرْضَ
طَبِيبَةَ فَشَرَّفَهَا بِقَبْرِ ي ثُمَّ أَرْضَ كُوفَانَ فَشَرَّفَهَا بِقَبْرِ كَا يَا عَلِيَّ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقْبِرِي
بِكُوفَانَ الْعِرَاقِ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَلِيَّ تُقْبَرُ بِظَاهِرِهَا قَتْلًا بَيْنَ الْعَرَبِيِّينَ وَالذِّكْوَاتِ الْبَيْضِ يُقْتَلُكَ
شَقِي هَذِهِ أُمَمَةُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُلْجَمٍ فَوَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا عَاقَرَ نَاقَهُ صَالِحٍ عِنْدَ
اللَّهِ بِأَعْظَمِ عِقَابًا مِنْهُ يَا عَلِيَّ يَنْصُرُكَ مِنَ الْعِرَاقِ مِائَةٌ أَلْفَ سَيْفٍ.^۱

رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! خداوند عالمیان، محبت ما اهل
بیت را بر آسمانها و زمین عرضه کرد؛ پس اوّل چیزی که قبول کرد و اجابت نمود
آسمان هفتم بود؛ پس خداوند آن را به عرش و کرسی مزین ساخت؛ بعد از آن آسمان
چهارم قبول کرد؛ پس آن را به بیت المعمور مزین ساخت؛ پس آسمان دنیا قبول کرد؛
پس مزین ساخت آن را به ستارگان. بعد از آن زمین حجاز اجابت نمود؛ حق تعالی
آن را مشرف ساخت به خانه با حرمت و عزت، یعنی کعبه معظمه؛ بعد از آن زمین
شام قبول کرد؛ پس او را زینت داد به بیت المقدس؛ بعد از آن زمین مدینه مشرفه
قبول کرد؛ پس آن را شرف و منزلت کرامت کرد به قبر من؛ بعد از آن زمین کوفه
قبول کرد، و حق- سبحانه و تعالی- آن را مشرف ساخت به قبر تو یا علی! حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: یا رسول الله! من در کوفه عراق مدفون خواهم شد؟ حضرت
فرمودند که بلی، یا علی! شهید خواهی شد و مدفون خواهی شد در صحرای پشت
کوفه میان غریبین- که تفسیرش گذشت- و ذکوات بیض (مکانی در نجف)، و تو را
خواهند کشت بدبخت ترین این امت، عبد الرحمن بن ملجم. به حق آن خداوندی
که مرا به راستی برای هدایت خلق فرستاده که پی کننده ناقه صالح عذابش از او بدتر
و عظیم تر نیست. یا علی! تو را یاری و نصرت خواهد کرد از عراق صد هزار شمشیر.
سید ابن طاووس در پایان می فرماید: «و هذا خبر حسن كاف في هذا الموضوع ناطق
بالحجة و البرهان.»

۱. سید بن طاووس، سید عبد الکريم بن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۵۶، مجلسی،

«این حدیث حسن است که برای اثبات این مدعا کافی و حجت و برهان قطعی است.»

(ب) خبر دادن علی علیه السلام از جایگاه قبرش:

حَدَّثَنَا سَلَامَةُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْمُؤَدَّبُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَبَابٍ قَالَ نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى ظَهْرِ الْكُوفَةِ فَقَالَ مَا أَحْسَنَ ظَهْرَكَ وَأَطْيَبَ فَعَرَكِ اللَّهُمَّ أَجْعَلْ قَبْرِي بِهَا.^۱

احمد بن حباب می گوید: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به نجف اشرف نظر کردند و فرمودند که چه خوش آینده است دیدار تو و چه خوش بوست قعر تو! خداوند! قبر مرا در این زمین قرار ده.

فضائل شهر نجف در روایات

از شرافت این سرزمین مقدس آن است که حضرت ابراهیم علیه السلام مدتی در آن سکونت نمود و آن زمین را از صاحبانش خرید، زیرا تمایل داشت حشر ارواح مدفونین در این سرزمین در زمین ملکی او باشد. حضرت علی علیه السلام اراضی مابین خورتق از حیره تا کوفه را از صاحبان آنها خریداری نمود و برای این معامله هم شاهد گرفت. عده ای به آن حضرت عرض کردند: این سرزمین ها قابل استفاده برای زراعت نخواهد بود، فرمود: از رسول اکرم شنیدم که از کوفان (مجاورت کوفه، نجف) هفتاد هزار نفر بی حساب وارد بهشت می شوند و من علاقه داشتم اینها از زمین ملکی من محشور شوند. هم چنین آن حضرت به پشت کوفه (نجف) نظر افکند و این گونه به آن سرزمین خطاب کرد: دیدار تو خیلی خوش آیند است و از خداوند خواست تا آرامگاهش را در نجف قرار دهد.^۲

همچنین شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کامل الزیارات به سند معتبر روایت کرده که ابووهب قصری گفت: داخل مدینه شدم و به خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایت شوم به نزد شما آمدم و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام نکردم. حضرت فرمود که: «بِسْ مَا صَنَعْتَ لَوْ لَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ بَدَّكَ»، اگر نه این

۱. سید بن طاووس، سید عبد الکریم بن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۶۱

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۱.

بود، که تو از شیعیان ما بودی، من به سوی تو نگاه نمی کردم، آیا زیارت نمی کنی کسی را که خدا با ملائکه او را زیارت می کند، و پیغمبران و مؤمنان او را زیارت می کنند؟! گفتم: فدای تو شوم من این را نمی دانستم. فرمود: «و بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد خدا بهتر است از جمیع ائمه علیهم السلام، و از برای او هست ثواب اعمال همه ائمه، و به قدر اعمال خود زیادتی و فضیلت یافته اند.»^۱

از دیگر فضیلت‌های نجف آن است که پیکر حضرت آدم و نوح پس از رحلت بدان جا نقل مکان یافته و هود و صالح در این دیار دفن شده اند. از خواص خاک نجف هم این است که مدفون آن از مواخذه دو فرشته در شب اول قبر (نکیر و منکر) در امان است.

همچنین روایت شده است که نجف قطعه‌ای از کوهی است که در آن حضرت موسی علیه السلام با خداوند تکلم نمود، حضرت عیسی علیه السلام به مقام قداست رسید، ابراهیم علیه السلام، خلیل خداوند گردید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حبیب خدا شد. این جا مسکن و مأوای پیامبران بوده است. آدر ادامه بعضی از این روایات آورده می‌شود.

روایت اول:

از امام امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است: «اول مکانی که در آن خدا را عبادت کرده‌اند ظهر الکوفه (نجف) است؛ زیرا در آن جا ملائکه به فرمان خداوند آدم را سجده کردند.»^۳

روایت دوم:

گویند حضرت ابراهیم علیه السلام در این شهر ساکن شد و با اقامت او برکت و رحمت بر این سرزمین نازل گردید.^۴

روایت سوم:

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۵، ص: ۳۶۱
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴ تا ۲۳۲.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.
۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۶.

کوفان پایتخت آینده جهان ۱۰

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هفتاد هزار نفر از این سرزمین بدون حساب محشور می‌شوند.» امام علی علیه السلام نیز این حدیث را به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است.^۱

روایت چهارم:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام نجف را مقدس و حرم اعلام کرد همان گونه که حضرت ابراهیم بیت الله الحرام و پیامبر مدینه را حرم قرار داد.»^۲

روایت پنجم:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «ما شما را به ظهر الکوفه (نجف) سفارش می‌کنیم. در آن جا قبری است که هر بیماری به آن جا رود خداوند او را شفا می‌دهد.»^۳

روایت ششم:

از امام صادق علیه السلام روایت است: «بخش وادی السلام نجف، باغی از باغ‌های بهشت است.»^۴

روایت هفتم:

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل است: «اگر پرده از روی شما بردارند، ارواح مؤمنین را می‌بینید که در این صحرا (صحرای نجف) دسته دسته هستند و به زیارت یکدیگر رفته و با هم سخن می‌گویند. روح هر مؤمنی در این جا و روح هر کافری در برهوت است.»^۵

روایت هشتم:

نقل نموده اند: چون حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده و وارد کوفه شود، مردم خطاب به آن حضرت عرض می‌نمایند: ثواب نماز پشت سر شما با خواندن نماز به امامت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مساوی است و این مسجد گنجایش جمعیت ما را ندارد، لذا حضرت در نجف مسجدی وسیع احداث می‌کند که دارای درهای متعددی بوده و گنجایش نمازگزاران زیادی را داشته باشد. آن گاه امام فرمان می‌دهند: از پشت مرقد امام

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۷.

۲. آل محبویه، جعفر بن باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۴.

۳. کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، النص، ص: ۲۲۴

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵.

کوفان پایتخت آینده جهان ۱۱

حسین علیه السلام نهری منشعب سازند که در نجف جاری گردد و چون آن حضرت ظهور کند، سربازانش در کوفه، محل حکومتش مسجد کوفه، بیت المال و مسجد سهله، و خانواده آن حضرت در نجف اقامت خواهند داشت.^۱

روایت نهم:

خبر دادن امام سجاد از موضع قبر علی علیه السلام به ابو حمزه ثمالی: ابو حمزه ثمالی می گوید: زمانی که امام سجاد به کوفه آمد از آن حضرت سؤال کردم:

يا اَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَقْدَمَكَ إِلَيْنَا؟ قَالَ: مَا رَأَيْتَ وَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ لَأَتَوْهُ
وَلَوْ حَبَوًّا هَلْ لَكَ أَنْ تَزُورَ مَعِيَ قَبْرَ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قُلْتُ أَجَلٌ فَسَرْتُ
فِي ظِلِّ نَاقَتِهِ يَحْدِثُنِي حَتَّى أَتِينَا الْغُرَبِيِّنَ وَهِيَ بُقْعَةٌ بِيضَاءُ تَلْمَعُ نُورًا فَنَزَلَ عَنْ نَاقَتِهِ
وَمَرَّغَ خَدَيْهِ عَلَيْهَا وَقَالَ يَا أَبَا حَمْزَةَ هَذَا قَبْرُ جَدِّي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ثُمَّ زَارَهُ
بِزِيَارَةِ أَوْلِيَاءِ- السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ الرَّضِيِّ وَنُورِ وَجْهِهِ الْمُضِيِّ ء ثُمَّ وَدَّعَهُ وَمَضَى إِلَيَّ
الْمَدِينَةَ وَرَجَعْتُ أَنَا إِلَيَّ الْكُوفَةَ.^۲

ای فرزند رسول خدا چه باعث شد که شما به این شهر تشریف آوردید؟ حضرت فرمود: باعث همین بود که دیدی- یعنی نماز در مسجد کوفه-؛ بعد از آن حضرت فرمودند: اگر مردم بدانند فضیلت این مسجد و عبادت در آن را هر آینه از اطراف عالم به سوی این مسجد بشتابند اگر چه به چهار دست و پا باشد یا اگر چه به طریق اطفال به نشستگاه خود را بر زمین کشند و آیند. بعد از آن فرمود که می خواهی که با من زیارت جدّم علی بن ابی طالب به جا آوری؟ گفتم: بلی. پس من در رکاب همایون آن حضرت می رفتم و آن حضرت احادیث برایم نقل می فرمودند و سخن می گفتند تا آنکه رسیدیم بغریین- یعنی صحرای نجف- به زمین سفیدی که نور از آن می تافت. آن حضرت از شتر به زیر آمدند و دو طرف روی مبارک خود را بر آن زمین سوختند و فرمودند: یا با حمزه! این قبر جدّم علی بن ابی طالب است. بعد از آن زیارت فرمودند به زیارتی که اولکش اینست: السَّلَامُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ الرَّضِيِّ وَنُورِ وَجْهِهِ

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰، آل محبویه، جعفر بن باقر، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص

۱۱-۱۲، تاریخ نجف اشرف و حیره، ص ۱۷۱ - ۱۷۰.

۲. سید بن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۴۷.

المضی ء، بعد از آن وداع فرمودند و به جانب مدینه روانه شدند و من به طرف کوفه برگشتم.

روایت دهم:

خبر دادن امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید:

شیخ مفید و سید ابن طاوس نقل کرده اند:

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام أَيْنَ دُفِنَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: دُفِنَ بِنَاحِيَةِ الْأَعْرَبِيِّينَ وَدُفِنَ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَدَخَلَ قَبْرَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ^۱

جابر بن یزید می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم امیر المؤمنین در کجا دفن شد؟ فرمودند: در طرف غربین قبل از طلوع صبح و حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام و محمد بن الحنفیه و عبد الله بن جعفر داخل قبرش شدند.

روایت یازدهم:

خبر دادن امام صادق علیه السلام به صفوان جمال:

کلینی با سند صحیح نقل می کند:

عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَعَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خِرَازَةَ الْأَزْدِيُّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فَقَالَ لَهُ عَامِرُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام دُفِنَ بِالرَّحْبَةِ قَالَ: لَا. قَالَ: فَأَيْنَ دُفِنَ؟ قَالَ: إِنَّهُ لَمَّا مَاتَ احْتَمَلَهُ الْحَسَنُ فَأَتَى بِهِ ظَهْرَ الْكُوفَةِ قَرِيباً مِنَ النَّجْفِ يَسْرَةً عَنِ الْغَرَى يَمْنَةً عَنِ الْحِيرَةِ فَدَفَنَهُ بَيْنَ ذِكْوَاتِ بَيْضٍ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ أَيَّامٍ ذَهَبَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ فَتَوَهَّمَتْ مَوْضِعاً مِنْهُ ثُمَّ أَتَيْتُهُ فَأَخْبِرْتُهُ فَقَالَ لِي أَصَبْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ^۲

صفوان شتریان گفت من و عامر بن عبد الله بن خزازعه نزد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودیم. عامر عرض کرد: فدایت شوم! مردم می گویند: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در رحبه کوفه مدفونند. فرمودند که نه. من گفتم: در کجا مدفونند؟ فرمودند: چون آن حضرت وفات یافتند، حضرت امام حسن علیه السلام ایشان را برداشت و

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۵ / سید بن طاوس،

فرحه الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۸۰

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۶

آورد به پشت کوفه، به طرف چپ غری و به طرف راست حیره، در میان تلکهای سفید دفن کرد. صفوان گفت: بعد از چندگاه رفتیم و تفحص کردیم؛ یک موضعی را گمان کردم و زیارت کردم و چون به خدمت حضرت آمدم عرض کردم. حضرت فرمودند که درست دیده ای خدا ترا رحمت کند! سه مرتبه این عبارت را فرمودند. روایت دوازدهم:

خبر دادن امام موسی بن جعفر علیه السلام به ایوب بن نوح:

سید بن طاووس می نویسد:

قَرَأْتُ بِحِطِّ السَّيِّدِ الشَّرِيفِ أَبِي يَعْلَى الْجَعْفَرِيِّ صَهْرِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ فِي كِتَابِهِ مَا صَوَّرْتُهُ وَرَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ أَيُوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام أَنْ أَصْحَابَنَا قَدْ اخْتَلَفُوا فِي زِيَارَةِ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ بَعْضُهُمْ بِالرَّحْبَةِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ بِالرِّيِّ فَكَتَبْتُ زُرَّهُ بِالرَّغْرِيِّ^۱.

سید ابن طاووس می گوید: در کتاب ابی یعلی جعفری (داماد شیخ مفید) این روایت را خواندم که ایوب ابن نوح می گوید: عریضه ای خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نوشتم که اصحاب ما در موضع قبر حضرت امیرالمؤمنین اختلاف دارند؛ بعضی می گویند در رحبه کوفه است و بعضی می گویند در غری است. حضرت نوشتند: در غری آن حضرت را زیارت کن.

روایت سیزدهم:

خبر دادن امام هشتم علیه السلام به احمد بن محمد بن ابی نصر:

ابن قولویه با سند صحیح روایت کرده است:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ سَأَلْتُ الرَّضَاءَ عليه السلام فَقُلْتُ أَيْنَ مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ الرَّغْرِيُّ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ بَعْضَ النَّاسِ يَقُولُونَ دُفِنَ فِي الرَّحْبَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ دُفِنَ بِالْمَسْجِدِ^۲.

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: جای قبر امیر المؤمنین علیه السلام کجا است؟ حضرت فرمودند: غری. محضرش عرضه داشتیم: فدایت

۱. سید بن طاووس، فرحه الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۱۲۹

۲. قمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۸۸

شوم برخی می گویند آن حضرت در رحبه دفن شده اند؟ حضرت فرمودند: خیر ولی پاره ای معتقدند که آن جناب در مسجد دفن گردیده است.

روایت چهاردهم:

اولین سجده گاه اولین نقطه ای که خدا سجده شد؛ در روایات آمده است که قبل از حضرت آدم، فرشتگان در این مکان مقدس عبادت می کردند. امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَوَّلُ بَقْعَةٍ عُبِدَ اللَّهُ عَلَيْهَا، طَهَّرُ الْكُوفَةَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لِآدَمَ، سَجَدُوا عَلَيَّ طَهَّرُ الْكُوفَةَ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ»^۱

شهادت مولا و کیفیت دفن

حضرت به محل قبر واقف بود و احدی غیر از این بزرگوار مطلع نبود و ضمن وصیتش رمزی فرمود تا محل آن برای فرزندانش روشن شود.

حبان بن علی العنزی می گوید: مرا خبر داده آزاد کرده علی علیه السلام که چون هنگام احتضار آن حضرت فرا رسید به حسن و حسین علیهم السلام فرمود: «چون من از دنیا رحلت کردم مرا بر تختی گذارید و بیرون آوریدم و عقب تخت را بردارید و جانب پیش آن را به حال خود بگذارید، که آن جانب خود برداشته می شود و مرا ببرید به غریین (نجف اشرف)، پس در آن جا سنگ سفیدی خواهید دید، در آن سنگ قبر مرا بکنید به تخته ای می رسید، مرا در آنجا دفن کنید. پس چون آن حضرت چشم از جهان فرو بست ما نیز همین کار را کردیم تا به غریین رسیدیم سنگ سفید را دیدیم که از نور می درخشید. در آن سنگ قبر را حفر کردیم تخته ای ظاهر شد که بر آن نوشته بود: این را نوح در این جا برای علی بن ابی طالب ذخیره گذاشته است.^۲ پس آن

۱. براقی، تاریخ الکوفه، ص ۵۷

۲. در روایت از ام کلثوم دختر امیرمؤمنان علیه السلام آمده است:

عَنْ أُمِّ كَلثُومٍ بِنْتِ عَلِيِّ رضي الله عنه قَالَتْ أَخْرَجَ عَهْدُ أَبِي إِلَى أَخَوَيْ رضي الله عنهما أَنْ قَالَ يَا بَنِي إِبْنِ آتَا مَتَّ فَعَسَلَانِي ثُمَّ نَشَفَانِي بِالْبُرْدَةِ الَّتِي نَشَفْتُمُ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَاطِمَةَ رضي الله عنها ثُمَّ حَتَّطَانِي وَسَجَّيَانِي عَلَى سَرِيرِي ثُمَّ انْتَهَرَا حَتَّى إِذَا ارْتَفَعَ لَكُمَا مَقْدَمُ السَّرِيرِ فَاحْمِلَا مُؤَخَّرَهُ قَالَتْ فَخَرَجْتُ أَشْبَعُ جَنَازَةَ أَبِي حَتَّى إِذَا كُنَّا بِطَهْرٍ الْغُرَى رَكَزَ الْمَقْدَمُ فَوَضَعْنَا الْمُؤَخَّرَ- ثُمَّ بَرَزَ الْحَسَنُ بِالْبُرْدَةِ الَّتِي نَشَفَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَاطِمَةَ فَنَشَفَ بِهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ثُمَّ أَخَذَ الْمَعْوَلُ فَضْرَبَ ضَرْبَةً- فَانْشَقَّ الْقَبْرُ عَنْ صَرِيحٍ فَإِذَا هُوَ بِسَاجَةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا قَبْرُ آدَخْرَهُ نُوْحُ النَّبِيِّ لِعَلِيِّ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ

حضرت را دفن کردیم و باز گشتیم و از دیدن این معجزات که دلالت بر عظمت مقام حضرت می کرد، خشنود شدیم، پس گروهی از شیعیان به ما رسیدند که بر آن حضرت نماز نخوانده بودند، ما ایشان را از آن چه اتفاق افتاده بود با خبر کردیم...^۱ پس از شهادت حضرت علی علیه السلام بر اساس وصیتش فرزندان ارجمندش شبانه آن نازنین بدن را غسل دادند و کفن کردند و به خاک سپردند. پس از انجام غسل و کفن به دستور امام حسن علیه السلام جز فرزندان امیرالمؤمنین و شماری از یاران خاص آن حضرت، همه برگشتند و آن تابوت بر دوش جبرئیل و میکائیل و حسن و حسین علیهما السلام از کوفه دور شد و بر سوی نجف (منطقه غری) رهسپار شد.

در نقطه‌ای از آن سرزمین، جلو تابوت به زمین آمد و فرزندان آن حضرت نیز عقب آن را بر زمین نهادند و امام حسن علیه السلام همان گونه که پدر سفارش فرموده بود بر آن پیکر پاک نماز خواند پس از نماز، تابوت را کنار زدند و با جا به جا کردن خاک، آرامگاهی ساخته و پرداخته یافتند که سنگ نوشته‌ای نشان می‌داد که آن قبر را حضرت نوح علیه السلام برای بنده برگزیده و شایسته خدا، علی علیه السلام آماده ساخته است.

قَبْلَ الطُّوفَانِ بَسَّعِمَائِهِ عَامٌ قَالَتْ أُمُّ كَلْثُومٍ فَأَشَقُّ الْقَبْرِ فَلَا أَذَى أَعَارَ سَيِّدِي فِي الْأَرْضِ أَمْ أُسْرِي بِهِ إِلَى السَّمَاءِ إِذْ سَمِعْتُ نَاطِقًا لَنَا بِالتَّعْزِيَةِ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكُمْ الْعَزَاءَ فِي سَيِّدِكُمْ وَحَجَّهَ اللَّهُ عَلَيَّ خَلْفَهُ.

ام کلثوم، دختر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت: آخر سخنی که پدرم به برادرانم، حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام گفت، این بود که ای فرزندان! چون من از دنیا رحلت نمایم مرا غسل دهید و جسد مرا خشک کنید از برد یمنی که رسول خدا و فاطمه علیهما السلام را از آن خشک کردید و مرا در تابوت گذاشته چیزی بر من بپوشانید؛ پس نظر کنید هر گاه پیش تابوت بلند شود عقب آن را بردارید. ام کلثوم گوید: بیرون آمدم که تشییع جنازه پدر خود کنم، چون به نجف اشرف رسیدیم، طرف سر تابوت میل به زمین کرد؛ پس عقب تابوت را بر زمین گذاشتند؛ حضرت امام حسن علیه السلام کلنگی گرفتند و به ضرب اول قبر کنده شده ی پیدا شد و در آنجا تخته بود و بر آن دو سطر به خط سریانی نوشته بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این قبریست که نوح پیغمبر برای علی، وصی محمد صلی الله علیه و آله پیش از طوفان به هفصد سال آماده کرده است. ام کلثوم می گوید که چون قبر را درست کردند قبر شکافته شد، ندانستیم که آن حضرت در زمین غایب شد یا به آسمان بردند. آنگاه شنیدیم که هاتفی ما را تعزیه داد و گفت: خدا شما را در مصیبت سید و بزرگ شما و حجت خداوند عالمیان بر خلائق، صبر نیکو کرامت فرماید. / سید بن طاووس، فرح الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی، ص ۶۳

۱. ارشاد مفید، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۳- بحرانی، مدینه العاجز، ج ۳، ص ۴۸- مجلسی، محمد باقر، بحار، ج ۴۲، ص ۲۱۷- قندوزی حنفی، ینابیع الموده، ص ۳۷۲- به نقل از دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۹، تاریخ، مقاله نجف، نوشته علی رفته، ص ۴۷۲.

هنگامی که بر آن شدند تا آن پیکر مقدس را به درون قبر برند ندای منادی را از آسمان شنیدند که می گفت: «انزلوه الی التربه الظاهر، فقد اشتاق الحبيب الی الحبيب»، آن بدن پاک را بر زمین پاک نهدید که دوست مشتاق دیدار دوست است.^۱

شیخ مفید در کتاب «الارشاد» خویش این گونه آورده است که: قبر آن حضرت علیه السلام بنا به وصیتی که کرده بود، مخفی ماند تا زوال دولت بنی امیه که دشمنی و کینه ورزی شدیدی نسبت به آن حضرت علیه السلام داشتند و چون قدرت به دست بنی عباس افتاد، در زمان امامت امام صادق علیه السلام توسط آن حضرت قبر مطهر جد بزرگوارش آشکار شد و امام صادق علیه السلام چون به پیش ابوجعفر منصور دوانقی (متوفی ۱۵۸ هجری) دومین خلیفه عباسی می رفت، قبر جد بزرگوارش را زیارت کرد و آشکار نمود از آن به بعد شیعیان چون متوجه این امر شدند، به زیارت قبر مطهر حضرت علی علیه السلام شتافتند.^۲ و به این جریان شیخ ابوعلی طبرسی در کتاب «اعلام الوری بأعلام الهدی» اشاره کرده است.^۳ در اینجا دو روایت که در رابطه با محل دفن است، اشاره می شود:

۱. «ابی عمید» به سند خود می گوید: شخصی از امام حسین علیه السلام پرسید: جنازه امیرالمؤمنین علیه السلام را در کجا به خاک سپردید. فرمود: شبانه جنازه را برداشتیم و از جانب مسجد اشعث آن را بردیم تا به پشت کوفه کنار غریبن برده و در آنجا به خاک سپردیم.

۲. جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم جنازه امیرالمؤمنین علیه السلام در کجا دفن شد؟ فرمود: پیش از طلوع خورشید در جانب غریبن به خاک سپرده شد و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و محمد حنیفه فرزندان علی علیه السلام و عبدالله بن جعفر (برادرزاده علی علیه السلام) وارد قبر شدند و جنازه را در میان قبر گذاردند.^۴

چون قبر آن حضرت تا زمان امام صادق علیه السلام مخفی بوده، لذا قبل از آن کسی نمی توانسته بر آن قبر شریف بنا یا حرمی درست کند. اما بعد از اینکه موضع قبر آشکار شد، طبق برخی روایات که حکایت از آن دارد که قبر امام علی علیه السلام نخستین

۱. قزوینی، سید کاظم، امام علی علیه السلام از ولادت تا شهادت، مترجم علی کرمی، ص ۶۶۳-۶۶۴.

۲. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۰.

۳. شیخ طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۴. علامه حلی، نگاهی بر زندگی دوازده امام علیهم السلام، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، ص ۶۵.

بار در زمان امام صادق علیه السلام، زمانی که امام طریق دعوت منصور دوانیقی عازم منطقه حیره بودند حصارى دور قبر کشیدند، مرقد امام پس از آن محل زیارت شیعیان آن حضرت می شد.^۱

قبر حضرت تا دوران خلافت هارون، مخفی بود. روزی هارون، در اطراف کوفه به شکار رفت و واقعه شگفت آوری را مشاهده کرد. هارون روزی دید که شیر و پلنگ و آهو و گوزن و دیگر حیواناتِ ضد و نقیض به یک نیزاری پناه برده، در آنجا همه در کنار یکدیگر می آرمنند، در حالی که خارج از آن منطقه امن، یگدیگر را می خورند و می درند، و هر شکاری را که تعقیب می کنند، فوراً به همان نیزار پناه می برد تا در امان باشد.

هارون شگفت زده شد، و بزرگان و پیرمردان کوفه را پنهانی احضار کرد و علت آن را پرسید.

پاسخ دادند که: در این منطقه نجف و در داخل نیزارها قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دارد، و چون ما اجازه نداشتیم آن را افشاء کنیم، اکثر مردم از این حقیقت با خبر نیستند. از آن پس قبر پنهان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آشکار شد، و شیعیان توانستند ساختمان زیبا و گنبد و بارگاهی بر آن بنا کنند که زیارتگاه عموم شیعیان گردد.^۲

البته در طول تاریخ با توجه به سیاست خلفا تغییر و تحولاتی در حرم امام صورت می گرفت، برخی از خلفا که از سیاست مذهبی استفاده می کردند، جهت جذب علویان به سوی خود و مهار کردن شورش های آنان در جهت آبادی حرم حضرت قدم بر می داشتند و شیعیان را هم در این کار آزاد می گذاشتند، ولی برخی از خلفا همچون متوکل عباسی نسبت به شیعیان سختگیری می کردند و اقدام به خراب کردن حرم ائمه علیهم السلام می کرد.

اما با روی کار آمدن حکومت شیعی آل بویه و تسلط کامل آن ها در بغداد و شهرهای اطراف آن، زمینه را برای گسترش شهرهای مذهبی علویان از جمله نجف و رونق بخشیدن به حرم امام علی علیه السلام و کوچ علویان به آن شهر به تعمیر و ساختن بارگاه بر قبر امام علی علیه السلام و توسعه آن اقدام کردند و بر فراز مرقد مطهر امام گنبدی سفید بنا

۱. ارشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۹، ص ۴۹۲.

۲. دانشنامه امام علی علیه السلام، ص ۶۱۳- سیره معصومان، ج ۴، ص ۷۴۸- ترجمه اعلام الوری، متن، ص ۲۹۲.

نهادند و در اطراف شهر دیوار کشیدند و برای اولین بار، برای حرم و بارگاه علوی چند حاجب و خادم تعیین کردند.^۱

بنابراین می‌توان گفت که اولین کسی که اقدام ساختن بنا بر حرم امام علی علیه السلام کرد، اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام و به دستور آن حضرت این اقدام را عملی کردند، بعد از آن در دوره‌های مختلف توسط علویان تغییر و تحولاتی در آن صورت گرفت و در دوره آل بویه رونق بیشتری گرفت و بر بارگاه علوی گنبد بنا کردند و در دوره‌های بعدی از جمله دوره مغول و دوره صفویان و قاجاریان تغییراتی در بارگاه امام علی علیه السلام صورت گرفت.

قبور انبیا

آدم و نوح

از زیارت نامه حضرت علی علیه السلام استفاده می‌شود که حضرت آدم علیه السلام و حضرت نوح علیه السلام در کنار حضرت آرمیده‌اند. زیرا در زیارت نامه چنین آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَ عَلَيَّ ضَجِيعِيكَ أَدَمَ وَ نُوحَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».^۲ سلام و درود خدا بر شما و بر حضرت آدم و نوح که در جوار شما آرمیده‌اند.

ابو بصیر می‌گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد قبر امیرمؤمنان علی علیه السلام پرسیدم و گفتم مردم در این باره اختلاف دارند. حضرت فرمود: تحقیقاً امیر مؤمنان با پدرش نوح در قبر او آرمیده‌است.^۳

در اسناد تاریخی آمده است که حضرت علی علیه السلام در وصیت خویش محل قبر خود را به اطرافیان بیان کرد و آمده است که آنجا را نوح نبی علیه السلام کنده و آماده نموده است.^۴

۱. ارشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۹، ص ۴۵۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۷۱؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۴۴.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۶، ح ۱۹۴۳۷، روایات در این مورد بسیار است برای اطلاع بیشتر به وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۴، باب ۲۷ بَابُ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ آدَمَ وَ نُوحَ وَ إِبْرَاهِيمَ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مراجعه نمایید.

۴. منتهی الامال فصل چهارم، در وصیت های امیرالمؤمنین علیه السلام و کیفیت وفات و غسل و دفن آن حضرت.

بنا به نوشته «ناسخ التواریخ» وفات حضرت آدم علیه السلام در روز جمعه، هشتم نisan، برابر با یازدهم محرم، در مکه مکرمه بوده است و حضرت حواء یک سال پس از او درگذشت و در غار ابوقیس، کنار مضجع شریف حضرت آدم مدفون گشت.^۱ آن گاه که کشتی نوح به اطراف کعبه رسید، خدای به نوح وحی فرستاد که هفت شوط اطراف بیت الله الحرام طواف کند. حضرت نوح از کشتی پیاده شد و تا زانو در آب رفت و تابوتی که در آن استخوان های حضرت آدم بود، بیرون آورده در کشتی گذاشت تا به باب کوفه رسید.

در آن جا بود که خداوند به زمین وحی کرد: (یا ارض ابلعی ماءک) و زمین آب خود را در مسجد کوفه فرو برد؛ چنان که از همان جا آغاز شد. حضرت نوح تابوت را از کشتی برداشت و در نجف اشرف دفن کرد.^۲

قبر آدم علیه السلام

عن الْمُضَلِّ بْنِ عُمَرَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ: إِنِّي أَشْتَاقُ إِلَى الْغُرَى قَالَ: فَمَا شَوْكُكَ إِلَيْهِ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَحَبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَأَحَبُّ أَنْ أُزُورَهُ قَالَ: فَهَلْ تَعْرِفُ فَضْلَ زِيَارَتِهِ قُلْتُ: لَا يَا أَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ - فَعَرَّفَنِي ذَلِكَ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَاعْلَمْ أَنَّكَ زَائِرٌ عِظَامِ آدَمَ وَبَدَنِ نُوحٍ وَجِسْمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قُلْتُ: إِنَّ آدَمَ هَبَطَ بِسَرْتَدِيبٍ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ وَزَعَمُوا أَنَّ عِظَامَهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَكَيْفَ صَارَتْ عِظَامُهُ بِالْكُوفَةِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى نُوحٍ علیه السلام وَهُوَ فِي السَّفِينَةِ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً فَطَافَ كَمَا أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ثُمَّ نَزَلَ فِي الْمَاءِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ فَاسْتَخْرَجَ تَابُوتاً فِيهِ عِظَامُ آدَمَ فَحَمَلَ التَّابُوتَ فِي جَوْفِ السَّفِينَةِ حَتَّى طَافَ بِالْبَيْتِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَطُوفَ - ثُمَّ وَرَدَ إِلَى بَابِ الْكُوفَةِ فِي وَسْطِ مَسْجِدِهَا فَفِيهَا قَالَ اللَّهُ لِلْأَرْضِ اأْبْلَعِي مَاءَكَ فَابْلَعَتْ مَاءَهَا مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ كَمَا بَدَأَ الْمَاءُ مِنْ مَسْجِدِهَا وَتَفَرَّقَ الْجَمْعُ الَّذِي كَانَ مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ فَأَخَذَ نُوحٌ التَّابُوتَ فَدَفَنَهُ بِالْغُرَى وَهُوَ قِطْعَةٌ مِنَ الْجِبَلِ الَّذِي كَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ مُوسَى تَكْلِيمًا وَقَدَّسَ عَلَيْهِ عَيْسَى تَقْدِيسًا وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ مُحَمَّدًا حَبِيبًا وَجَعَلَهُ لِلنَّبِيِّينَ مَسْكَنًا وَاللَّهُ مَا سَكَنَ فِيهِ أَحَدٌ

۱. رک: ناسخ التواریخ

۲. سید عبدالحسین رضیعی، تاریخ انبیاء سلف، ص ۹۸

کوفان پایتخت آینده جهان ۲۰

بَعْدَ آيَاتِهِ الطَّاهِرِينَ - آدَمَ وَ نُوحَ أَكْرَمَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا أَرَدْتَ جَانِبَ النَّجْفِ فَرُزْ عِظَامَ آدَمَ وَ بَدَنَ نُوحٍ وَ جِسْمَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّكَ زَائِرُ الْأَبَاءِ الْأَوْلِيَيْنِ وَ مُحَمَّدًا ص خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ فَإِنَّ زَائِرَهُ تَفْتَحُ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ عِنْدَ دَعْوَتِهِ فَلَا تَكُنْ عَنِ الْخَيْرِ نَوَامًا^۱

ابن سنان گفته است: مفضل بن عمر برایم چنین حکایت نمود:

گفت: محضر امام صادق علیه السلام داخل شده عرض کردم: مایل و مشتاقم که به غری بروم

حضرت فرمودند: چه اشتیاقی به آن داری؟

عرض کردم: امیر المؤمنین علیه السلام را دوست داشته و به زیارتش علاقمند هستم.

حضرت فرمودند: آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می دانی؟

عرضه داشتم: خیر ای فرزند رسول خدا ﷺ، من را از آن آگاه و مطلع بفرمائید.

حضرت فرمودند: هر گاه اراده زیارت امیر المؤمنین علیه السلام را نمودی بدان که در واقع

استخوان‌های حضرت آدم علیه السلام و بدن نوح علیه السلام و جسم امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی.

عرض کردم: حضرت آدم در سرندیب محل طلوع آفتاب هبوط نمود و عموم معتقدند

استخوانهایش در بیت الله الحرام دفن شده پس چطور می فرمائید در کوفه می باشد؟!

حضرت فرمودند: خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام در حالی که در کشتی بود وحی

فرمود که هفت بار طواف بیت نماید، آن جناب طبق آنچه به وی وحی شده بود

طواف نمود سپس از کشتی بیرون آمد و تا زانوهایش در آب فرورفت، تابوتی که در

آن استخوانهای حضرت آدم بود را از آب بیرون آورده و آن را به داخل کشتی حمل

فرمود و بدنبال آن مطابق خواسته حق تعالی دور بیت طواف نمود و پس از آن وارد

درب کوفه که در وسط مسجد کوفه هست گردید در این وقت بود که حق تعالی به

زمین فرمود: آبی که در برداری فرو ببر، پس زمین آبش را از مسجد کوفه فرو برد

همان طوری که قبلا از همین مسجد ظاهر ساخته بود و به هر صورت گروهی که با

نوح در سفینه بودند متفرق گشته سپس جناب نوح تابوت را در غری دفن کرد (غری

قطعه‌ای از کوهی است که موسی علیه السلام در آن با خدا تکلم نمود و عیسی در آن تقدیس

کوفان پایتخت آینده جهان ۲۱

گردید و ابراهیم در آن به منصب خلیلی نصب گردید و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن حبیب خدا خوانده شد و همین کوه بود که حق تعالی آن را مسکن انبیاء قرار داد). سپس حضرت فرمودند: به خدا قسم بعد از آباء طاهرين پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یعنی حضرت آدم و نوح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ احدی کریم تر از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در آن سکونت اختیار نکرده.

سپس فرمودند: و بدین ترتیب هر گاه اراده کردی نجف را، پس استخوان های آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را زیارت کن که زائر آباء اوّل و گذشته (آدم و نوح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که خاتم انبیاء است و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ که سید اوصیاء بوده می باشی و باید توجه داشته باشی که برای زائر آن حضرت درب های آسمان گشوده می شود پس از این خیر عظیم غافل مباش.

هود و صالح

محل دفن و مزار حضرت هود و صالح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ معلوم و مشخص نبود، تا این که سید بحرالعلوم رحمه الله در وادی السلام نجف اشرف فرمود: این جا را حفر کنید، حفر کردند. لوحی ظاهر شد که بر روی آن نوشته شده بود: «هَذَا قَبْرُ هُودٍ وَ صَالِحٍ» این قبر حضرت هود و صالح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ است.^۱ در زیارتنامه ی حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَي جَارِيكَ هُودٍ وَ صَالِحٍ». سلام بر تو و بر دو همسایه ات حضرت هود و حضرت صالح. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَي ضَجِيعِكَ آدَمَ وَ نُوحٍ؛ (سلام بر تو و بر حضرت آدم و نوح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ که در کنار تو آرمیده اند.^۲

در ضمن وصایای امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده است: فَادْفِنُونِي فِي هَذَا الظَّهْرِ فِي قَبْرِ اخْوَيَّ هُودٍ وَ صَالِحٍ؛ مرا در همین پشت - نجف - در قبر دو برادرم هود و صالح دفن کنید.^۳ بر طاق گنبد سبز حضرت هود و صالح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نوشته شده: «اولین سایبانی که بر فراز قبور مطهر هود و صالح ساخته شد، به فرمان سید بحرالعلوم (متوفی ۱۲۱۲ ق) بود»؛ چنان که نخستین ضریح چوبی نیز توسط ایشان تهیه و نصب گردید. آن گاه یکی از افراد خیر گنبد آن را با کاشی تزیین نمود.

۱. آرامگاه حضرت هود و حضرت صالح عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، سامانه معرفی اماکن زیارتی و آثار اسلامی.

۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، ص: ۲۵۵

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام: ۳۴.

کوفان پایتخت آینده جهان ۲۲

گفته می‌شود که مقام هود و صالح قبلاً در قسمت دیگری از وادی السلام اشتها داشت، ولی سید بحر العلوم این‌جا را به عنوان اعلام کرد و دستور داد گنبد و بارگاهی بر فراز آن ساخته شود و تولیت آن را با «محمد علی قسام» جد اعلای تیره «آل قسام» قرار داد و برخی از زمین‌های زراعتی ناحیه «کفل» را برای آن‌جا وقف نمود.

تخریب مقبره به دست انگلیسی‌ها

به سال ۱۳۳۳ ق هنگامی که نیروهای انگلیسی به مدت ۴۰ روز نجف اشرف را محاصره کردند، قبور مطهر هود و صالح علیهم‌السلام را همانند بسیاری از اماکن مقدسه ویران کردند.^۱، بازیابی: ۱۹ دی ماه ۱۳۹۱ بر روی مرقد یک سنگ قدیمی سرخ رنگی که طول آن در حدود ۷۰ سانتیمتر و عرض آن ۲۰ سانتیمتر و روی آن با خط کوفی نوشته شده بود که اینجا قبر هود و صالح است.

برای جلوگیری کردن از دزدیده شدن این سنگ، آن را درون یک اسطوانه قرار داده بودند. اما به هنگام اشغالگری بریتانیا این سنگ که دلیلی برای این مرقد بود ناپدید گشت.^۲

پس از رفع محاصره، بنای فعلی به سال ۱۳۳۷ ه.ق در همان نقطه‌ای که سید بحر العلوم تعیین کرده بود، بنیاد گردید.

تعداد انبیا

پیامبران فراوانی در کوفه و در مسجد کوفه نماز خوانده‌اند و سیصد و هفتاد پیامبر و ششصد وصی در آنجا دفن شده‌اند.

عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْكُوفَةُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ فِيهَا قَبْرُ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ قُبُورُ ثَلَاثِمِائَةِ نَبِيٍّ وَ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَ سِتِّمِائَةَ وَصِيٍّ وَ قَبْرُ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.^۳

۱. علی اکبر مهدی پور، اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام (بخش: وادی السلام و پیشینه آن)، انتظار موعود شماره ۱۱ و ۱۲، بازیابی: ۱۹ دی ماه ۱۳۹۱.

۲. مرقد پیامبران هود و صالح علیهما السلام، سایت نجف اشرف پایتخت فرهنگی جهان اسلام ۲۰۱۲، تاریخ بازیابی: ۱۹ دی ماه ۱۳۹۱.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۳۸۷ حدیث ۱۹۴۴۰

امام صادق علیه السلام فرمود: کوفه باغی از باغ‌های بهشت است. قبر حضرت نوح و قبر حضرت ابراهیم و قبر سیصد و هفتاد پیغمبر دیگر و قبر حضرت علی علیه السلام در آن قرار دارد.

فصل زیارت مولا

الف: زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رهایی انسان

به تصریح برخی از روایات، پاداش زیارت آن بزرگوار این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن شخص را در روز قیامت زیارت می‌کند و او را از کیفر گناهان رهایی می‌بخشد، که در این‌جا نمونه‌هایی از این روایات را بیان می‌کنیم:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ - فَقَالَ يَا بُنَيَّ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُزَوِّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أُخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: امام حسن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای پدر! پاداش کسی که شمار را زیارت کند چیست؟ فرمود: پسر من کسی که مرا یا پدرت را در زمان حیات یا مرگ زیارت کند، حق الهی بر گردن من است که آن شخص را در روز قیامت دیدار کنم و از گناهان و عواقب آنها رهایم سازم.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من ضمانت می‌کنم که زائر امیرالمؤمنین علیه السلام را از سختی‌ها و نگرانی‌های قیامت رهایی بخشم و او را در مقام و مرتبه خودم قرار دهم و همراه خود سازم.^۲

ب: پاداش قدم‌های زائر

در دسته‌ای از روایات آمده است که علاوه بر ثواب زیارت، برای هر قدمی که زائر برمی‌دارد، خداوند پاداش‌های گوناگونی عطا می‌کند:

۱. صفوان جمّال می‌گوید: با امام صادق علیه السلام به کوفه رسیدیم؛ امام فرمود: این‌جا حرم جدم امیرالمؤمنین علیه السلام است. سپس به سوی آن حرکت کرد و به من فرمود: قدم‌هایت را کوتاه بردار و سرت را پایین بیاورد؛ زیرا برای هر قدمی، برای تو صد هزار حسنه

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات؛ النص؛ ص ۱۱

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۵۷۹، ح ۲.

نوشته می‌شود و صد هزار کار بد از تو پاک می‌گردد و صد هزار درجه بالا برده می‌شود و صد هزار خواسته‌ات برآورده می‌شود و پاداش هر صدیق و شهید برای تو ثبت می‌گردد.^۱

۲. در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: « مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً يَا ابْنَ مَارِدٍ وَاللَّهِ مَا يُطْعَمُ اللَّهُ النَّارَ قَدَمًا تَعَبَّرَتْ فِي زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا شِئًا كَانَ أَوْ رَاكِبًا يَا ابْنَ مَارِدٍ اَكْتُبْ هَذَا الْحَدِيثَ بِمَاءِ الذَّهَبِ. »^۲

کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را با پای پیاده زیارت کند، خداوند برای هر قدمی یک حج و یک عمره بنویسد؛ پس اگر با پای پیاده هم بازگردد، برای هر قدمی دو حج و دو عمره خواهد نوشت. سپس به راوی فرمود: این حدیث را با آب طلا بنویس.^۳

۳. در روایت دیگری از امام ششم آمده است که فرمود: هر کس جدم را در حالی که عارف به حق اوست زیارت کند، خداوند برای هر قدمش یک حج مقبول و یک عمره نیکو می‌نویسد، و به خدا قسم قدمی که در زیارت حضرت امیر علیه السلام غبار آلود شود، سواره باشد یا پیاده، آتش جهنم را نصیب آن قدم نمی‌کند.

ج: پاداش حج و عمره

دسته‌ای از روایات، ثواب زیارت حضرت را چندین حج و عمره برشمرده‌اند؛ حدیث ذیل یک نمونه است:

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم لِعَلِيِّ يَا أَبَا الْحَسَنِ: «... مِنْ زَارَ قُبُورِكُمْ عَدَلَ ذَلِكَ ثَوَابَ سَبْعِينَ حَجَّةً بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ زِيَارَتِكُمْ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَأَبْشِرْ وَ بَشِّرْ أَوْلِيَاءَكَ وَ مُحَبِّبِكَ مِنَ النَّعْمِ بِمَا لَأَ عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَأَ أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَأَ خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشْرٍ...»^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام فرمود: کسی که قبرهای شما را زیارت کند، ثوابش برابر با هفتاد حج مستحب خواهد بود و او از گناهش خارج می‌شود و وقتی که از

۱. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، به همت مؤسسه امام هادی علیه السلام ج ۲، ص ۱۶

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۰، ح ۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۰، ح ۱۰.

۴. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۲، ذیل ح ۵۱۲.

زیارت شما بازگشت، همانند کسی می‌شود که از تازه از مادر متولد شده؛ پس بشارت بر تو باد و به دوستان و اولیای خود هم بشارت بده به نعمت‌ها و چشم‌روشنی‌هایی که هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلب کسی هم خطور نکرده است.

سپس پیامبر عظیم الشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خیر از آینده داد و فرمود: ولی افراد پستی از مردم به زائران قبرهای شما طعنه و تهمت می‌زنند، همان‌گونه که زن بدکار، به کار بدش طعنه زده می‌شود. اینها بدترین امت من هستند. شفاعت من به آنان نمی‌رسد و وارد حوض من هم نخواهند شد.

در این حدیث پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیش‌بینی کردند گروهی از امت پدید خواهند آمد که پیروان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و زائران قبور معصومین را مورد طعن قرار داده، بلکه آنان را مشرک می‌خوانند؛ در حالی که خدا بهتر می‌داند چه کسی خداپرست واقعی است و چه کسی مشرک است. به تعبیر بعضی از نویسندگان:

راستی چه غافلند آنانی که به گمان واهی (پرهیز از شرک) مردم را از زیارت این بزرگان، با آن همه برکات معنوی و مادی بازمی‌دارند! و خود را مسلمان می‌دانند؛ در حالی که از حقیقت اسلام به دورند؛ چرا که زیارت آن بزرگواران به شکلی که گفته شده و به عنوان اولیاءالله و درخواست از آنان به عنوان شفیعان درگاه الهی و عباد صالحین پروردگار عین توحید و خداپرستی است و سبب پرورش روح تقوا و ایمان است، گویا نمی‌دانند که در زیارت آنها، گاه صدها بار نام خدای یگانه برده می‌شود و مثل زیارت جامعه با یکصد بار تکبیر و توحید پروردگار آغاز می‌گردد و با نماز زیارت که نیایش خالصانه‌ای به درگاه خداست، پایان می‌یابد...^۱

د: پاداش شهدا

در دسته‌ای از روایات، پاداش زیارت آن بزرگوار، معادل پاداش هزاران شهید به شمار آمده است:

عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: « مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَ لَا مُتَكَبِّرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَعَثَ مِنْ آلِ مَنِينَ

۱. ناصر مکارم شیرازی، مفاتیح نوین، ص ۲۰۷.

وَهُونَ عَلَيْهِ الْحِسَابُ وَاسْتَقْبَلَهُ الْمَلَائِكَةُ فَإِذَا أَنْصَرَفَ شَبَّعَتْهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ
وَإِنْ مَاتَ تَبِعُوهُ بِالِاسْتِغْفَارِ إِلَى قَبْرِهِ»^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را با شناخت حق او و بدون گردن کشی و تکبر زیارت کند، خداوند پاداش صد هزار شهید برای او می نویسد و گناهان گذشته و آینده او را می بخشد، و او را از افرادی که در امان هستند مبعوث می کند، و حساب را بر او سبک می گرداند، و فرشتگان الهی از او استقبال می کنند، و هنگامی که به منزلش بازگشت، او را بدرقه می نمایند؛ پس اگر مریض شود، از او عیادت می کنند، و اگر از دنیا رفت، تا قبر با استغفار برای او همراهی می کنند.

ه: باز شدن درب آسمانها

در تعدادی از روایات آمده که زیارت حضرت امیر علیه السلام درب آسمانها را به سوی انسان باز کرده و حاجت های او برآورده می سازد و هم و غم او برطرف می گردد:

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ وَلَآئِنَّا عَلَى أَهْلِ الْأُمْسَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلُ الْكُوفَةِ وَإِنَّ إِلَى جَانِبِهَا قَبْرًا لَا يَأْتِيهِ مَكْرُوبٌ فَيُصَلِّي عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِلَّا رَجَعَهُ اللَّهُ مَسْرُورًا بِقَضَاءِ حَاجَتِهِ»^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ولایت ما را به اهل شهرها عرضه کرد؛ جز اهل کوفه آن را نپذیرفتند، و در کنار کوفه قبری وجود دارد که هیچ غمگینی آن جا نمی آید و آن جا چهار رکعت نماز می خواند، مگر آن که خداوند او را با برآوردن حاجتش خندان خواهد کرد.

۲. قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَتُنْفَتَحُ عِنْدَ دُعَاءِ الزَّائِرِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۳

امام صادق علیه السلام فرمود: درب های آسمان هنگام ورود زائر امیرالمؤمنین علیه السلام باز می شود.
۳. در حدیثی دیگر آمده که مفضل بن عمر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: من امیرمؤمنان را دوست دارم و دوست دارم او را زیارت کنم؛ امام فرمود: آیا فضیلت زیارت او را می دانی؟ عرض کردم: نه ای فرزند رسول خدا؛ پس مرا با آن آشنا فرما. امام فرمود: هنگامی که قصد زیارت امیرالمؤمنین را کردی، بدان

۱. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام ج ۹، ص ۲، ح ۵۵.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۷، ح ۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۹، ح ۷.

که تو زائر استخوان‌های حضرت آدم و بدن نوح پیامبر و جسم علی بن ابی طالب علیه السلام هستی. سپس سخنانی بین من و حضرت در مورد حضرت آدم رد و بدل شد و حضرت فرمود: درب‌های آسمان برای زائر امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام دعایش باز می‌شود؛ پس مواظب باش از خیر محروم نشوی.^۱

و: بهشت

در روایات بسیاری نیز آمده است کسی که آن حضرت را زیارت کند، بهشت پاداش او خواهد بود:

۱. عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ زَارَ عَلِيًّا بَعْدَ وَفَاتِهِ فَلَهُ الْجَنَّةُ.»^۲

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان و آنان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند که فرمود: کسی که علی علیه السلام را بعد از رحلتش زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود.

۲. در حدیثی دیگر آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام فرمود: زیارت نمی‌کند مرا و پدرت و برادرت و تو را، مگر صدیقین از امت من.^۳

و روشن است که صدیقین امت پیامبر همان‌گونه که در قرآن آمده، در بهشت خواهند بود.

ز: کسب رحمت الهی

زیارت امیرالمؤمنان علیه السلام زمینه بهره مند شدن از رحمت الهی را فراهم می‌آورد؛ روایاتی وارد شده است که ترک زیارت حضرت را این‌گونه نکوهش کرده است:

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «مَنْ تَرَكَ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ»^۴
امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زیارت امیر مؤمنان علیه السلام را ترک کند، خداوند به او نظر نمی‌کند.

۲. عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي وَهَبٍ الْقَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ جِعَلْتُ فِدَاكَ أَتَيْتَكَ وَ لَمْ أُرْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ بِنَسِّ مَا صَنَعْتَ لَوْ لَأَنْتَ مِنْ

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۲، ح ۱۶.

۲. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۹، ح ۵۰۷.

۳. کامل زیارات، ص ۷۰، ح ۴.

۴. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ج ۲، ص ۵۲، ح ۵۲۶.

شِيعَتَنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ أَلَّا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ قَالَ عَلِمْتُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فَضَّلُوا.

یونس بن ابی وهب گوید: وارد مدینه شدم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم؛ به حضرت عرض کردم: فدایت گردم! خدمت شما آمدم و امیرالمؤمنین را زیارت نکردم. امام فرمود: بد کاری کردی! اگر تو از شیعیان ما نبودی، به تو نگاه نمی‌کردم. آیا زیارت نکردی کسی را که خدا با فرشتگان و پیامبران و مؤمنان زیارتش می‌کنند؟! عرض کردم: فدایت گردم! من این را نمی‌دانستم؛ فرمود: بدان که امیرالمؤمنین نزد خدا از همه امامان برتر است و پاداش اعمال آنان از آن اوست و آنان به اندازه اعمال خودشان برتر هستند.^۱

باید توجه داشت که این همه پاداش، برای اصل زیارت آن بزرگوار است؛ یعنی هر کس در هر زمان به زیارت آن بزرگوار برود و هر طور که زیارت کند، امید است خداوند متعال این پاداش‌ها را بدهد؛ اما بر زیارت در روزهای خاص، با خواندن زیارتنامه‌های مخصوص تأکید بیشتری شده و پاداش‌های بسیار بیشتری برای آن روزهای خاص بیان شده است. برای مثال در مورد زیارت حضرت در روز عید غدیر چنین آمده است:

بزنطی گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: هر کجا بودی، روز غدیر نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شو؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی برای هر زن و مرد مؤمن و مسلم گناهان شصت سال را می‌بخشد، و دو برابر آنچه در ماه مبارک رمضان و شب قدر و فطر از آتش جهنم آزاد کرده، رهایی می‌بخشد، و یک درهم در آن روز، در آن‌جا برابر است با هزار درهمی که به برادران عارف آشنا بدهی؛ پس به برادرانت در این روز بخشش کن و هر مرد و زن مؤمن را خوشحال گردان.^۲

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در کتاب گران‌قدر «بحار الانوار» آورده است:

انجام کارهای خوب در زمان‌ها و روزهای شریف، موجب ثواب بسیار است؛ پس زیارت آن حضرت در سایر روزهای شریف، برتر است؛ خصوصاً روزهایی که به آن

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۶۷۹، ح ۳.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۸، ح ۲.

حضرت اختصاص دارد یا این که در آن روزها کرامت و فضیلت و منقبتی از آن حضرت آشکار شده است؛ مانند: روز ولادت آن بزرگوار که بنا بر مشهور، روز سیزدهم رجب است و روز وفات و لیلۃ المیت، روز فتح بدر (۱۷ رمضان) و روز مواسات او در جنگ احد (هفتم شوال) و روز فتح خیبر (۲۷ رجب) و روز بالا رفتن بر دوش پیامبر ﷺ برای از شکستن بت‌ها (بیستم ماه مبارک رمضان) و روز فتح بصره (نیمه ماه جمادی الاولی) و روز ردّ الشمس (۱۷ شوال) و روز نصب آن حضرت برای خواندن آیه‌های برائت (اول ذی‌الحجه) و روز بستن درب‌ها و بازگذاشتن درب خانه آن حضرت که روز عرفه است و روز صدقه دادن انگشتر (۲۴ ذی‌الحجه) که روز مباحله هم هست، و روز نازل شدن سوره «هل أتی» در شأن او (۲۵ ذی‌الحجه) ، و روز خلافت آن حضرت که روز وفات پیامبر (ص) است و روز بیعت با آن حضرت پس از قتل عثمان (۲۸ یا ۲۵ ذی‌الحجه) و روز نوروز که روایت شده است در این روز برای خلافت با آن حضرت بیعت شد، و غیر آن روزهایی که شمردن آنها ممکن نیست؛ زیرا روزی نیست مگر این که فضیلت و عظمت و کرامتی برای آن حضرت ظاهر گشت.^۱

برخی از فضائل مولا امیرالمؤمنین علی‌السلام

۱. پیامبر ﷺ: «الرَّوْحُ وَ الرَّاحَةُ وَ الْفَلَاحُ وَ الْفَلَاحُ وَ النَّجَاحُ وَ الْبَرَکَةُ وَ الْعَفْوُ وَ الْعَافِيَةُ وَ الْمُعَافَاةُ وَ الْبُشْرَى وَ النَّصْرَةُ وَ الرِّضَا وَ الْقُرْبُ وَ الْقَرَابَةُ وَ النَّصْرُ وَ الظَّفَرُ وَ التَّمَكِينُ وَ السُّرُورُ وَ الْمَحَبَّةُ مِنْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ مِنْ أَحَبِّ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ وَالِدِهِ وَ أُمَّتِهِ بِهِ وَ أَقْرَبُ بِفَضْلِهِ وَ تَوَكَّلِي الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أَدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي وَ حَقٌّ عَلَيَّ رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِي فِيهِمْ وَ هُمْ أَتْبَاعِي وَ مَنْ تَبِعَنِي فَأَنَّهُ مِنِّي»^۲

آسایش و راحتی، کامیابی و رستگاری و پیروزی، برکت و گذشت و تندرستی و عافیت، بشارت و خرمی و رضایتمندی، قرب و خویشاوندی، یاری و پیروزی و توانمندی، شادی و محبت، از سوی خدای متعال، بر کسی باد که علی بن ابی طالب را دوست بدارد، ولایت او را بپذیرد، به او اقتدا کند، به برتری او اقرار نماید، و امامان

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۸۳

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار ج ۲۷، ص ۹۲

کوفان پایتخت آینده جهان ۳۰

پس از او را به ولایت بپذیرد. بر من است که آنان را در شفاعتم وارد کنم. بر پروردگار من است که خواسته مرا درباره آنان اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است.

۲. حضرت زهرا سلام الله علیها: «انَّ السَّعِيدَ، كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ»^۱

همانا سعادتمند (به معنای) کامل و حقیقی کسی است که امام علی علیه السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.

۳. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ أَدِيبِي، أَمَرَنِي رَبِّي بِالسَّخَاءِ وَ الْبِرِّ وَ نَهَانِي عَنِ الْبُخْلِ وَ الْجَفَاءِ وَ مَا شَيْءٌ أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ الْبُخْلِ وَ سَوْءِ الْخُلُقِ، وَ أَنَّهُ لِيُفْسِدَ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ»^۲

من ادب آموخته خدا هستم و علی، ادب آموخته من است. پروردگارم مرا به سخاوت و نیکی کردن فرمان داد و از بخل و سختگیری بازماند. در نزد خداوند عزوجل چیزی منفورتر از بخل و بد اخلاقی نیست، و همانا آن عمل را ضایع می کند، آن سان که سرکه عسل را.

۴. نوف البکالی: «رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مُوَلِّيًا مُبَادِرًا، فَقُلْتُ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: دَعْنِي يَا نَوْفُ، إِنَّ أَمَالِي تُقَدِّمُنِي فِي الْمَحْبُوبِ. فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ وَ مَا أَمَالُكَ؟ قَالَ: قَدْ عَلِمَهَا الْمَأْمُولُ وَ اسْتَعْنَيْتُ عَنْ تَبْيِينِهَا لِغَيْرِهِ، وَ كَفَى بِالْعَبْدِ أَدْبًا أَلَّا يُشْرِكَ فِي نِعْمِهِ وَ ارِيهِ غَيْرَ رَبِّهِ»^۳

امیر المؤمنین علیه السلام را دیدم که شتابان می رود. عرض کردم: مولای من کجا می روی؟ فرمودند: «ای نوف رهایم کن! آرزوهایم مرا به پیشگاه محبوب می کشاند». عرض کردم: مولای من! آرزوهایتان چیست؟ فرمودند: «آن کس که مورد آرزوست، خود آنها را می داند و نیازی نیست به غیر او بگویم. بنده را همین ادب بس که در نعمت ها و نیازش، غیر پروردگارش را شریک نگرداند».

۱. امالی (صدوق) ص ۱۸۲

۲. مکارم الاخلاق ص ۱۷

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۱، ص ۹۴ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۱، ص ۲۲۱

۵. پیامبر ﷺ: «عَلَىٰ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ»^۱

علی پیشوای مؤمنان و ثروت پیشوای منافقان است.

۶. پیامبر ﷺ: «بِئْسَ أَنْدَرْتُمْ وَبِعَلَىٰ بْنِ أَبِي طَالِبٍ اهْتَدَيْتُمْ... وَبِالْحَسَنِ أُعْطِيتُمُ الْإِحْسَانَ وَبِالْحُسَيْنِ تَسْعُدُونَ وَبِهِ تَشْقُونَ أَلَا وَإِنَّ الْحُسَيْنَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ مَنْ عَادَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ»^۲

به وسیله من هشداری داده شدید و به وسیله علی علیه السلام هدایت می‌یابید و به وسیله حسن احسان می‌شوید و به وسیله حسین خوشبخت می‌گردید و بدون او بدبخت. بدانید که حسین دری از درهای بهشت است، هر کس با او دشمنی کند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند.

۷. پیامبر ﷺ: «حَقٌّ عَلَىٰ عَلَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَىٰ وَكَلْدِهِ»^۳

حقّ علی بر این امت همچون حقّ پدر است بر فرزندش.

۸. امام علی علیه السلام: «وَاللَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ»^۴

به خدا سوگند که انس پسر ابوطالب به مرگ از انس کودک که پستان مادرش بیشتر است.

توضیح قسمتهای داخل حرم

نادرشاه در حرم شاه نجف

همچنین صاحب منتخب التواریخ از کتاب انوار العلویه نقل می‌کند که وقتی نادرشاه گنبد حرم حضرت امیرالمؤمنین را تذهیب نمود از وی پرسیدند که بالای قبه مقدسه چه نقش کنیم؟

نادر فوراً گفت: يَدَاللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ: دست خدا، بالای همه دستهاست .

۱. امالی (طوسی) ص ۳۵۵

۲. البرهان فی تفسیر القرآن ج ۳، ص ۲۳۲

۳. امالی (طوسی) ص ۵۴

۴. نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۲، خطبه ۵ (شبیبه این حدیث در نزهه الناظر و تنبیه الخاطر ص ۵۶)

فردای آن روز وزیر نادر میرزا مهدی خان گفت نادر سواد ندارد و این کلام به دلش الهام شده است اگر قبول ندارید بروید مجددا سؤال کنید لذا آمدند و پرسیدند که در فوق قبه مقدسه چه فرمودید نقش کنیم؟ گفت همان سخن که دیروز گفتم!

نقل کرده اند: وقتی نادر شاه خواست داخل صحن مقدس حضرت امیر علیه السلام بشود جرأت نکرد، امر کرد زنجیر طلائی به گردنش بیندازند و او را مثل سگ بکشند و ببرند به درب صحن مقدس؛ احدی جرأت نکرد اقدام به این عمل بنماید ناگاه دیدند شخصی از بیابان آمد و زنجیر طلا را به گردن نادر انداخت و او را کشید، به درب صحن مقدس، نادر شاه مشرف شد و زیارت کرد و برگشت، بعد هرچقدر تجسس کردند که آن شخص را بیابند نیافتند.

گفته اند نادرشاه افشار به واسطه نذری که کرده بود فرمان داد گنبد و گلدسته و ایوان حضرت امیرالمومنین علیه السلام را به هزینه او به خشت طلا، زرنگار بنمایند و بعد خود را با تشریفات سلطنتی به طرف نجف اشرف برای بازدید و زیارت آن حضرت مشرف شد، زمانیکه به درب دروازه نجف رسید برخی از اهل تسنن گفتند: شیعیان علی علیه السلام عقیده دارند که شراب و سگ در شهر نجف اشرف وارد نمی شود، نادر شاه گفت باید آزمایش کنم. فرمان داد شیشه شرابی حاضر کنند و سگی به زنجیر طلا ببندند و چون حرکت نمودند هرچه کردند سگ به طرف نجف رهسپار نشد و آخرالامر زنجیر طلا را پاره نمود و به بیابان فرار کرد چون شیشه را بررسی نمودند دیدند مبدل به سرکه شده. نادر شاه گفت: زنجیر طلا را به گردن من قرار دهید و من به شکل سگ به نام «کلب علی» وارد حرم مقدس می گردم و این شعر را سرود:

کلب درگاه امیرالمومنین نادر قلی آنکه درهرکار امیدش به توفیق خداست

ندیم نادرشاه چون دید شراب تبدیل به سرکه شده بالبداهه این شعر را سرود:

در خاک نجف «ندیم» آسوده بخواب اندیشه مکن ز پرسش روز حساب

جایی که بدل به سرکه گردد می ناب بی شکل که شود گنه مبدل به ثواب^۱

دو روایت

ورودی حرم مطهر در بالای در دو روایت زیبا سبز رنگ نوشته شده است:

علی علیه السلام مانند کعبه

(۱) ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمود:

«مَثَلُ عَلِيٍّ فِيكُمْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَمَثَلِ الْكَعْبَةِ الْمَسْتُورَةِ، النَّظَرُ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ وَالْحَجُّ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ»^۱

«مَثَلُ عَلِيٍّ فِي بَيْنِ سَمَاءٍ وَبَيْنِ الْأَرْضِ (در میان این امت) مانند کعبه پوشیده است، که نگاه به آن عبادت و حج آن فریضه و تکلیف است.»

رجحان ایمان علی علیه السلام بر تمام آسمانها و زمین

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَضِعَتْ فِي كِفَّةٍ وَوُضِعَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كِفَّةٍ لَرَجَحَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ»^۲.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: اگر آسمانها و زمین را در کفهای و ایمان علی را در کفه دیگر قرار دهند و وزن کنند، هر آینه ایمان علی علیه السلام از زمین و آسمانها سنگینتر خواهد بود و رجحان خواهد داشت.»

در همین رابطه جناب عبدی کوفی شعری دارد که قسمتی از آن است:

شعر عبدی کوفی در همین زمینه:

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِ يَ فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ»^۳.

«سماعه در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: ای گروه شیعه بفرزندان خویش شعر عبدی را بیاموزید که او بر دین خدا است.»

| | |
|--|---|
| أَشْهَدُ بِاللَّهِ لَقَدْ قَالَ لَنَا- | مُحَمَّدٌ وَالْقَوْلُ مِنْهُ مَا خَفِيَ |
| لَوْ أَنَّ إِيْمَانَ جَمِيعِ الْخَلْقِ مِنْ- | سَكَنَ الْأَرْضَ وَمَنْ حَلَّ السَّمَاءَ- |
| يُجْعَلُ فِي كِفَّةٍ مِيزَانَ لَكِي- | يُوفَى بِإِيْمَانِ عَلِيٍّ مَا وَفَى- |

شعر

شعر ورودی حرم مطهر مولا:

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۳، ص: ۲۰۲

۲. بحار الأنوار؛ ج ۱۰۱؛ ص ۳

۳. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص: ۲۹۳

عَلَىٰ حُبِّهِ جَنَّهٗ، قَسِيمٌ النَّارِ وَ الْجَنَّةُ
وَصَىٰ الْمُصْطَفَىٰ حَقًّا، اِمَامُ الْاِنْسِ وَ الْجِنَّةُ

وارد حرم مطهر که شویم در قسمت مقابل صورت مبارک مولا شعری آبی رنگ روی دیوار نصب شده که معنای بلندی دارد:

| | |
|---|------------------------------|
| وما كان شیء فی الخلیقه یوجد | نبی براه الله نوراً بعرشه |
| لیسترشد الضلال فیه ویهدتوا | وَأودعه من بعد فی صلب آدم |
| لما قال قدماً للملائکة اسجدوا | ولو لم یکن فی صلب آدم مودعاً |
| لما لک یوم الدین أیاک نعبد ^۱ | ولولاه ما قلنا ولا قال قائل |

اگر نبود نور علی در صلب آدم، هیچ‌گاه خداوند به ملائکه خودش دستور نمی‌داد که بر او سجده کنند.

و اگر نبود علی علیه السلام، نه ما و نه هیچ‌گونی‌ده‌ای، به مالک یوم الدین (خداوند) نمی‌گفت: ایاک نعبد (فقط تو را عبادت می‌کنم).

تا صورت پیوند جهان بود علی بود
تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود
شاهی که ولی بود و وصی بود علی بود
سلطان سخا و کرم و جود علی بود
هم آدم و هم شیث و هم ادریس و هم ایوب
هم یونس و هم یوسف و هم هود علی بود
هم موسی و هم عیسی و هم خضر و هم الیاس
هم صالح پیغمبر و داوود علی بود
عیسی به وجود آمد و در حال سخن گفت
آن نطق و فصاحت که در او بود علی بود
مسجود ملائک که شد آدم ز علی بود
در قبله محمد بود، مقصود علی بود
از لحمک لحمی بشنو تا که بیایی

۱. السید رضا بن محمد الهندی؛ المتوفی ۱۳۶۲ هـ.

کان یار که او نفس نبی بود علی بود
 آن شاه سرافراز که اندر شب معراج
 با احمد مختار یکی بود علی بود
 محمود نبودند کسانی که ندیدند
 کاندر ره دین احمد محمود علی بود
 این کفر نباشد سخن کفر نه این است
 تا هست علی باشد و تا بود علی بود

موضع الاصبغین

در حرم مطهر امام علی علیه السلام در داخل ضریح مبارک در جهت جنوبی صندوق مطهر نزدیک سر مبارک جایگاه مقدس و مبارکی قرار دارد. که به آن موضعُ الاصبغین به معنی جایگاه دو انگشت می گویند.

این مکان روایتگر معجزه ای عظیم از امام علی علیه السلام می باشد. عالم وارسته سید نصرالله حائری از مولی عبدالکریم از کتاب تبصره المؤمنین و سید محمد صالح الترمذی متخلص به الکشفی از علمای اهل تسنن در کتاب المناقب این ماجرا را نقل می کنند و الکشفی می گوید این ماجرا طبق اسانید صحیح و معتبر قابل اثبات است:

مُرّه ابن قیس مردی کافر بوده و غلامان بسیاری داشت. روزی مره با افراد قبیله ی خود درباره اجداد و بزرگان قبیله صحبت می کرد. به مره گفته شد اکثر پدران و اجداد در جنگ با محمد و به شمشیر علی ابن ابی طالب کشته شده اند یا در جنگ هایی که با خود علی کرده اند به دست علی و یارانش از بین رفته اند. مره خشمگین شد و سراغ قبر علی بن ابی طالب را گرفت. به او گفته شد که قبر علی در نجف است. مره نیز سپاهی از افراد قبیله خود و قبایل هم پیمان آماده کرد که طبق برخی از روایات تعدادشان به دوسواره و چند هزار پیاده رسید. و به سمت شهر نجف حرکت کرد. وقتی سپاه مره به نجف نزدیک شد مردم شهر به دفاع پرداختند. سپاه مره به مدت شش روز با مردم نجف جنگید تا اینکه توانست گوشه ای از دیوار شهر را ویران کرده به داخل شهر راه پیدا کند. با ورود سپاه مره مردم شهر گریختند. مره به طرف حرم مطهر آمد و به صاحب بارگاه گفت: ای علی، تو پدران و اجداد مرا کشته ای امروز به تقاص خونهایی که از ما ریختی قبرت را می شکافم تیشه ای خواست تا

ضریح^۱ را بشکافد اما همین که مهبای ضربه زدن شد دو انگشت مانند شمشیر ذوالفقار از داخل ضریح بیرون آمد و مره بن قیس را به دو نیم کرده قطعات مره به دو سنگ سیاه تبدیل شد.^۲

شعرای عرب و عجم پس از این واقعه اشعاری سرودند:

شاهی که به ضربت دو انگشت
چون مره قیس کافری کشت
این دو سنگ دروازه شهر نجف آورده شدند و هر کس که به زیارت بارگاه
امیرالمؤمنین علیه السلام می آمد آنها را با پایش می زد و چهارپایان روی آن بول می کردند
. این دو سنگ مدتها در کنار دروازه شهر بودند تا اینکه روزی یکی از خادمان مسجد
کوفه آنها را برداشته و به کنار در مسجد کوفه برد و هر زائری که قصد داشت به این
دو سنگ لگد بزند از او پولی می گرفت و از این راه کسب روزی می کرد. سید
محمد صالح الترمذی می گوید: شیخ یونس از افراد وارسته و سرشناس نجف به من
گفت: من یکی از اعضای سنگ شده مره بن قیس را آنجا دیده ام.

گفته می شود شیخ قاسم الکاظمی النجفی شارح کتاب (الاستبصار) علیه کسی که این
دو سنگ را از شهر نجف بیرون برد دعا می کرد و می گفت: خداوند خشنود نباشد
از کسی که این دو سنگ را از این بارگاه مطهر بیرون کرد و این معجزه باهره را از
بین برد.

در این مکان مجموعه سنگ های قیمتی و جواهر آلاتی که پادشاهان به حرم اهدا
کرده اند قرار دارد.

مرحوم شیخ محمد حسن نجفی می گوید لعان^۳ با دو چیز غلیظ تر می شود یکی با
بردن اسماء الهی که یاد آور عظمت خداوندی است و دیگری لعان در اماکن متبرکه
است مانند بین رکن و مقام در مکه مکرمه، در کنار صخره مسجد الاقصی در بیت

۱. قبر مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام از زمان هارون عباسی دارای ضریح بوده که اولین ضریح از جنس سنگ سفید بوده است.

۲. تاریخ النجف الأشرف، محمد حسین حرزالدین، ص ۴۴۵

۳. لعان مراسمی در فقه اسلامی است که در آن زن و شوهر با رعایت تشریفات خاصی یکدیگر را لعنت می کنند. به این نحو که شوهر با سوگندهای ویژه ای به زن خود نسبت زنا دهد و همسرش با سوگندهای مشابهی اتهام شوهرش را رد کند. با تحقق لعان زن و شوهر از یکدیگر جدا شده و ازدواج دوباره آنها تا آبد ممنوع است. مراسم لعان حکمی است که نص صریح قرآن انجام می شود. به لعان در آیات ۶ تا ۹ سوره ی نساء اشاره شده است.

المقدس، در کنار قبر رسول الله در مدینه منوره و در کنار مَوْضِعُ الْأَصْبَعَيْنِ نزدیک سر مقدس امیر المومنین علیه السلام در نجف اشرف.^۱

قصه دیگری نیز از این مکان از مردم نجف شنیده می شود و آن کرامتی است از حضرت برای یکی از زائران آن زائر از خدا خواسته بود تا اگر زیارتش مقبول واقع شده است ورقه ای مبنی بر قبولی زیارت به او بدهند مدتی طولانی بر این خواسته اصرار داشت و به ضریح التجا می کرد عاقبت از همین موضع دو انگشت بیرون آمد و ورقه ی قبولی زیارت به او داده شد.^۲

زیارت سر مقدس امام حسین علیه السلام

رأس مبارک امام حسین علیه السلام در کجا مدفون شد؟

درباره محلّ دفن سر مبارک امام حسین علیه السلام به خصوص و سرهای دیگر شهدای کربلا به صورت عموم، در کتاب‌های تاریخی شیعه و اهل سنت و نیز منابع روایی شیعه اختلاف فراوانی مشاهده می‌شود. البته اقوال نقل شده نیاز به بررسی دارد اما هم اکنون مشهورترین قول که مورد قبول جامعه شیعی قرار گرفته آن است که سر مبارک پس از چندی به بدن ملحق شد و در سرزمین کربلا مدفون گردید.

برای آگاهی بیشتر به بیان این اقوال می‌پردازیم:

الف: کربلا

این نظر دیدگاه مشهور بین علمای شیعه است و علامه مجلسی رحمته الله به این شهرت اشاره کرده است.^۳

شیخ صدوق رحمته الله با نقل روایتی، الحاق سر به بدن در کربلا را از قول فاطمه دختر علی علیه السلام و خواهر امام حسین علیه السلام نقل کرده است.^۴ اما درباره کیفیت و چگونگی الحاق دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است.

۱. نجفی محمد حسن (صاحب جواهر)، جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۶۲

۲. شمری، فائق عبدالحسین، و تبعوه دفینا، ص ۱۰۶

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ج ۴۵، ص ۱۴۰ (به نقل از: امالی صدوق، ص ۲۳۱).

برخی همانند سیدین طاووس آن را امری الهی می‌داند که خداوند با قدرت خود و به صورت معجزه انجام داده است. وی از چون و چرا درباره آن نهی کرده است.^۱ برخی دیگر چنین گفته‌اند: امام سجاد علیه السلام در بازگشت در روز اربعین^۲ یا روزی غیر از آن، سر را در کربلا در کنار بدن دفن کرد.^۳

ب: نجف اشرف در کنار قبر حضرت علی علیه السلام

از عبارت علامه مجلسی رحمته الله و نیز با پژوهش در روایات چنین به دست می‌آید که رأس مبارک در نجف اشرف و در کنار قبر حضرت علی علیه السلام دفن شده است.^۴ روایاتی همانند سلام دادن امام صادق علیه السلام به همراه فرزندش اسماعیل، بر امام حسین علیه السلام پس از نماز خواندن بر جدشان حضرت علی علیه السلام در نجف به صراحت و روشنی وجود سر را در نجف تا زمان امام صادق علیه السلام ثابت می‌داند.^۵

درباره کیفیت انتقال سر به این مکان، از قول امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: یکی از دستداران اهل بیت علیهم السلام در شام آن را سرقت کرد و به کنار قبر حضرت علی علیه السلام آورد.^۶ البته اشکال این دیدگاه آن است که قبر حضرت علی علیه السلام تا زمان امام صادق علیه السلام برای همگان شناخته شده نبود.

ج: کوفه

سیط ابن جوزی این دیدگاه را ابراز کرده و گفته است: عمرو بن حرث مخزومی آن را از ابن زیاد گرفت و پس از غسل، تکفین و خوشبو کردن، سر را در خانه خود دفن کرد.^۷

۱. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ص ۵۸۸.

۲. شهید قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام، ج ۳، ص ۳۰۴.

۳. لهوف، ص ۲۳۲. البته با صراحت نام امام سجاد علیه السلام را نمی‌آورد.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۸ به نقل از: کامل الزیارات، ص ۳۴ و کافی، ج ۴، ص ۵۷۱.

۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

۷. تذکره الخواص، ص ۲۵۹ به نقل از: مع الرکب الحسيني، ص ۳۲۹.

د: مدینه

ابن سعد صاحب طبقات الکبری این دیدگاه را پذیرفته و چنین بیان کرده است: یزید سر را برای عمرو بن سعید حاکم مدینه فرستاد و او پس از تکفین، آن را در قبرستان بقیع در کنار قبر مادرش فاطمه ع دفن کرد.^۱

ه: شام

شاید بتوان گفت: بیشترین گزارش‌های اهل سنت، حکایت از دفن سر در شام می‌کند که معتقدان به این دیدگاه نیز در میان خود اختلاف داشته و اقوال مختلفی ابراز کرده‌اند همچون:

الف. در کنار دروازه فرادیس که بعدها مسجد الرأس در آن ساخته شد

ب. در باغی در کنار مسجد جامع اموی

ج. در دارالاماره

د. در گورستانی در دمشق

ه. در کنار دروازه توما.^۲

و: رقه

رقه شهری در کنار فرات بوده که گفته شده است: یزید سر امام ع را برای آل ابی محیط خویشان عثمان که در آن زمان در این شهر ساکن بودند فرستاد و آنها، آن را در خانه‌ای دفن کردند که بعدها آن خانه به مسجد تبدیل شد.^۳

ز: مصر (قاهره)

نقل شده است: خلفای فاطمی که از آغاز نیمه دوم قرن چهارم تا آغاز نیمه دوم قرن هفتم در مصر حکم می‌راندند و پیرو مذهب شیعی اسماعیلی بودند سر مبارک امام حسین ع را از دروازه فرادیس شام، به عسقلان و سپس به قاهره منتقل کردند و بر آن مقبره معروف به تاج الحسین ع را پس از سال ۵۰۰ بنا کردند.^۴

۱. ابن سعد، طبقات، ج ۵، ص ۱۱۲.

۲. مع الركب الحسيني، ج ۶، ص ۳۳۱-۳۳۵.

۳. مع الركب الحسيني، ج ۶، ص ۳۳۴ به نقل از: تذکره الخواص، ص ۲۶۵.

۴. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۰۵.

کوفان پایتخت آینده جهان ۴۰

علامه مجلسی رحمته الله علیه نیز به نقل از گروهی از مصریان، به وجود بارگاهی عظیم در مصر با نام «مشهد الکریم» اشاره می‌کند.^۱

علمای مدفون در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام

از دیر باز به سبب فضیلت شهر نجف اشرف مکان مقدس و امید به شفاعت و نجات از عذاب و سختی های روز حشر، بسیاری از سادات، عالمان، اندیشمندان و رجال سیاسی وصیت می کردند که در کنار مرقد مطهر امام علی علیه السلام و یا وادی السلام دفن شوند. برخی از به خاک سپرده شده ها در این مکان مقدس عبارت اند از:

۱. شیخ طوسی (۳۸۵ ق - ۴۶۰ ق)

این آستان کنار باب الطوسی حرم مطهر و در « شارع الطوسی » قرار دارد. این جا سکونت گاه شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی بود که در سال های ۴۴۸ ق تا ۴۶۰ ق، یعنی به هنگام هجرتش به نجف، ساخت و در آن جا می زیست. او پیش از آن در بغداد اقامت داشت و از محضر شیخ مفید و سید مرتضی بهره می برد. و پس از وفات سید مرتضی به مرجعیت شیعه رسید. شیخ طوسی وصیت کرد که از این مکان به عنوان مسجد استفاده کنند و خود او را نیز، پس از مرگ، در آن جا به خاک بسپارند. در عصر شاه عباس ساختمان این آستان به همت شیخ بهایی از نو برپا شد. در ۱۲۹۸ ق نیز سید حسین نوه سید مهدی بحر العلوم بنای فرسوده آن را از نو ساخت. قسمت شرقی آستان در ۱۳۶۹ ق به هنگام احداث فلکه اطراف صحن تخریب شد که باقی مانده آن بنا هم چنان هست و گنبدی به رنگ سبز دارد.^۲ شیخ طوسی تالیف فراوانی در علم های گوناگون اسلامی از خود برجای گذاشته است. نقش او در توسعه و رونق حوزه علمیه در نجف بر همگان روشن است.^۳

۲. علامه حلی (۶۴۷ ق - ۷۲۶ ق)

حسن بن یوسف بن مطهر حلی، از عالمان بزرگ قرن هفتم هجری، در حجره ای میان ایوان طلای صحن مرقد امام علی علیه السلام به خاک سپرده شده است. هنگام ورود به

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۴۴.

۲. ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ۱۹۸

۳. ر ک: حسین الامین، اعیان الشیعه، ۱۵۹/۹

کوفان پایتخت آینده جهان ۴۱

داخل رواق مقدس، قبر او در سمت راست به چشم می خورد. علامه حلی، بیش از صد جلد کتاب در فقه، اصول و سایر علم ها تألیف کرد. شیعه شدن سلطان محمد خدابنده، از ایلخانان مغول، به سبب زحمت و تلاش های اوست.^۱

۳. ابن طاووس (۵۱۹ - ۶۶۴ ق)

رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، از عالمان و محدثان شیعی بود و تألیف مشهور اللهوف علی قتلی الطفوف از اوست. جنازه او را پس از فوت به نجف آوردند و در جوار امام علی علیه السلام به خاک سپردند.^۲

۴. مقدس اردبیلی (۱۲۴۹ ق - ۱۳۵۰ ق)

احمد بن محمد اردبیلی از عالمان قرن دهم هجری است که در ۹۹۳ ق وفات یافت و در ایوان حرم امام علی علیه السلام داخل اتاقی در کنار مناره جنوبی دفن شد.^۳ به هنگام ورود به داخل رواق، قبر مقدس اردبیلی در سمت چپ دیده می شود.

۵. شیخ محمد حسن صاحب جواهر (ت ۱۲۰۰ ق)

محلہ عماره محل دفن یکی از بزرگ ترین و معروف ترین فقیهان شیعه معاصر، یعنی صاحب جواهر است که اثر بزرگ فقهی جواهر الکلام از اوست. آستان او ساختمان مجلل با گنبد بزرگ کاشی کاری شده است و در کنار آن مسجد صاحب جواهر دیده می شود.^۴

۶. سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵ ق - ۱۲۱۲ ق)

آرامگاه سید محمد مهدی طباطبایی، معروف به بحر العلوم، و فرزندان او کنار آستان شیخ طوسی قرار دارد. در حال حاضر این آستان دارای گنبد و عمارت بسیار زیبا و کاشی کاری شده است که در اواخر قرن چهاردهم ساخته شده است.^۵

۱. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۳۹۶/۵.

۲. جعفر الخلیلی، موسوعه العتبات، ۱۵۴/۶.

۳. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۸۰/۳.

۴. ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ۱۹۸.

۵. ادیب الملک، سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ۱۹۸.

کوفان پایتخت آینده جهان ۴۲

علامه بحرالعلوم علاوه بر کارهای علمی، به ویژه تعیین میقات های احرام و حدود منی و عرفات، اقدام زیادی در عمران و آبادانی مرقد مطهر انجام داد.^۱

۷. شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ ق - ۱۲۸۱ ق)

شیخ مرتضی انصاری دزفولی مرجع بزرگ شیعه و شاگرد صاحب جواهر در ۱۲۸۱ ق در نجف از دنیا رفت و در دالان باب القبلة در سمت جنوبی صحن مطهر به خاک سپرده شد.^۲

۸. ملا احمد نراقی (۱۱۸۵ ق - ۱۲۴۵ ق)

ملا احمد نراقی فرزند مهدی، از مراجع شیعه در ابتدای عصر قاجار و استاد شیخ مرتضی بود. او در ۱۲۴۵ ق در نراق از دنیا رفت و در نجف دفن شد. ملا احمد را در صحن مطهر، نزدیک ایوان بزرگی که در ضلع شمالی حرم واقع است، کنار پدرش به خاک سپردند. وی دارای آثار زیادی از جمله معراج السعادة است.^۳

۹. میرزای شیرازی (۱۲۳۰ ق - ۱۳۱۲ ق)

سید محمد حسن فرزند میرزا محمود، شاگرد شیخ مرتضی انصاری، مرجع تقلید شیعه و صاحب فتوای معروف تحریم تنباکو است. وی در ۱۳۱۲ ق در سامراء از دنیا رفت و در مجاورت صحن مطهر امام علی علیه السلام در مدرسه ای بیرون از صحن مطهر، قسمت شرقی باب طوسی دفن شد.^۴

۱۰. میرزا حسین نوری (۱۲۵۴ ق - ۱۳۲۰ ق)

وی از شاگردان میرزای شیرازی و شیخ مرتضی انصاری و صاحب تألیف معروف مستدرک الوسائل است که در ۱۳۲۰ ق وفات یافت. قبر او در صحن امام، در سومین ایوان شرقی باب القبله، واقع است.

۱. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۱۵۸/۱۰

۲. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۱۱۷/۱۰

۳. آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، ۹۱/۱

۴. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۳۰۴/۵

۱۱. شیخ عباس قمی (ف ۱۳۵۹)

شیخ عباس محدث قمی، صاحب کتاب های مشهور مفاتیح الجنان و منتهی الآمال و از شاگردان میرزا حسین نوری است. وفات او در ۱۳۵۹ ق اتفاق افتاد و در صحن مطهر امام، در سومین ایوان شرقی باب القبله، کنار میرزا حسین نوری دفن شد.

۱۲. علامه نائینی (ف ۱۳۵۵ ق)

میرزا محمد حسین نائینی در ۱۳۵۵ ق در نجف وفات یافت و در صحن، در پنجمین مقبره جنوبی درب بازار، به خاک سپرده شد.^۱ وی عالم و مرجع شیعه و شاگرد میرزای شیرازی بود و در جریان انقلاب مشروطیت از اندیشمندان و متفکران سیاسی معاصر به شمار می رفت که هدایت فکری و عملی انقلاب مشروطه را تا پیروزی آن، همراه آخوند خراسانی، بر عهده داشت. کتاب تنزیه الامه و تنبیه الملهوی حاوی اندیشه های سیاسی او درباره مشروطیت است.

۱۳. سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ ق - ۱۳۶۵ ق)

سید ابوالحسن اصفهانی از مراجع بزرگ شیعه و از شاگردان سید محمد باقر درچه ای و آخوند کاشی است. او در ۱۳۶۵ ق فوت کرد و در درگاه ورودی دروازه شرقی صحن مطهر دفن شد.^۲

۱۴. شیخ محمد حسین کمپانی (۱۲۹۶ ق - ۱۳۶۱ ق)

شیخ محمد حسین فرزند حاج محمد حسن اصفهانی، معروف به کمپانی، در ۱۳۶۱ ق از دنیا رفت و در ایوان حرم در اطاق کوچکی، بین مناره شمالی و مقبره علامه حلی، به خاک سپرده شد. کمپانی دارای تألیفات بسیار در فقه و اصول و شاگرد آخوند خراسانی بود.

۱۵. سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷ ق - ۱۳۲۸ ق)

سید محمد کاظم طباطبایی، مشهور به یزدی، شاگرد میرزای شیرازی و صاحب کتاب معروف عروة الوثقی است. وفات او در ۱۳۳۷ ق اتفاق افتاد و او را در صحن مطهر

۱. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۵۴/۶.

۲. محسن الامین، اعیان الشیعه، ۳۳۱/۲.

کوفان پایتخت آینده جهان ۴۴

در مقبره بزرگی واقع در دومین ایوان غربی باب طوسی دفن کردند. یزدی از هم فکران شیخ فضل الله نوری و از طرف داران تفکر مشروطه مشروعه بود.^۱

۱۶. شیخ محمد جعفر کاشف الغطاء (ف ۱۲۲۷ ق)

در محله عماره، قبر یکی از فقیهان و بزرگان عرصه علم و سیاست، شیخ جعفر مشهور به کاشف الغطاء، قرار دارد که یکی از شاگردان و مریدان او به نام شیخ اکبر این مقبره را بنا کرد و خود نیز بعدها در همان جا دفن شد. مدرسه المعتمد مشهور به مدرسه کاشف الغطاء از بناهای باقی مانده اوست.

۱۷. سید ابوالقاسم خوبی (۱۳۱۷ ق - ۱۴۱۳ ق)

قبر سید ابوالقاسم خوبی در صحن مطهر، ضلع شرقی، ورودی مسجد الخضراء واقع است. سید ابوالقاسم خوبی از عالمان و مراجع تقلید معاصر، شاگرد محمد حسین کمپانی و علامه نائینی بود. وی مدتی رییس حوزه علمیه نجف بود و برای گسترش حوزه ها و مدرسه های علمی در نقاط مختلف کشورهای اسلامی تلاش زیادی کرد. از دیگر عالمان دفن شده در نجف اشرف:

۱۸. فخر الدین طریحی، صاحب کتاب مجمع البحرين، لغت شناس و ادیب معاصر که در ۱۰۷۵ ق فوت کرد و در محله براق دفن شد.

۱۹. محمد مهدی قزوینی عالم معاصر (۱۳۰۰ ق). قبر وی روبه روی مقبره شیخ محمد حسن صاحب جواهر است.

۲۰. مقداد بن عبدالله حلی، صاحب العرفان فی فقه القرآن، (۷۴۱ ق).

۲۱. عبدالعال کرکی، معروف به محقق ثانی و شهید ثالث در عهد سلطان طهماسب اول صفوی.

۲۲. آخوند خراسانی (۱۲۵۵ ق - ۱۳۲۹ ق)

۲۳. سید مصطفی خمینی (۱۳۵۶ ش) فرزند حضرت امام. قبر او در ایوان حرم مطهر واقع است.

۲۴. سید محمد باقر صدر که در وادی السلام دفن است.

۲۵. علامه امینی رحمته الله

کوفان پایتخت آینده جهان ۴۵

۲۶. جمال الدین محمد بن طاووس، برادر ابن طاووس مشهور (۶۳ ق).
۲۷. عبدالکریم بن طاووس، برادر ابن طاووس (۶۹۳ ق). او تألیفی در باب نجف با عنوان فرحه الغری دارد.
۲۸. میر محمد حسین، امام جمعه اصفهان در عصر قاجار.
۲۹. آقا محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی (۱۲۰۵ ق).
۳۰. عبدالرزاق کاشانی (۱۲۴۶ ق).
۳۱. ملا محمد مهدی نراقی.

اماکن دیگر زیارتی نجف

وادی السلام

خرید منطقه وادی توسط امیرالمؤمنین علیه السلام

رَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَلَوِيِّ الْحُسَيْنِيُّ فِي كِتَابِ فَضْلِ الْكُوفَةِ بِإِسْنَادٍ رَفَعَهُ إِلَى عَقْبَةَ بْنِ عَلْقَمَةَ أَبِي الْجَنْبِ قَالَ اشْتَرَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عليه السلام مَا بَيْنَ الْخَوَرْتِقِ إِلَى الْحِيرَةِ إِلَى الْكُوفَةِ مِنَ الدَّهَاقِينَ بِأَرْبَعِينَ أَلْفَ دَرَهَمٍ وَ أَشْهَدَ عَلِيٌّ شِرَائِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَشْتَرِي هَذَا بِهَذَا الْمَالِ وَ لَيْسَ تَنْتَبُتُ قَطُّ فَقَالَ سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص يَقُولُ كُوفَانُ يُرَدُّ أَوْلَاهَا عَلَى آخِرِهَا يُحْشَرُ مِنْ ظَهْرِهَا سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ أَشْتَهَيْتُ أَنْ يُحْشَرُوا فِي مَلِكِي^۱

روایت کرده است ابو عبد الله محمد بن علی بن الحسن بن علوی حسینی در کتاب فضل کوفه به اسنادی که بالا برده است تا عقبه بن علقمه که او گفت که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خریدند دهاتی را که ما بین خورنق که عمارتی است مشهور بنا کرده نعمان بن منذر پادشاه عرب -و حیره -که کربلای معلی است و کوفه بود، و در حدیث دیگر: ما بین نجف اشرف و حیره و کوفه، به چهل هزار درهم و گواه گرفتند جمعی را بر خریدن. پس به آن حضرت عرض کردند که یا امیر المؤمنین! این زمین را به این مال بسیار میخرد و هیچ حاصلی از اینجا به عمل نمی آید.

۱. ابن طاووس، عبد الکریم بن احمد، فرحه الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی

حضرت فرمودند که شنیدم از رسول خدا ﷺ که آن حضرت فرمودند که کوفه در آن فتنه های بسیار خواهد شد و از صحرای پشت آن محشور خواهد شد هفتاد هزار کس که بی حساب به بهشت روند و من خواستم که این جماعت از ملک من محشور شوند.

حضور مولا در وادی السلام

عَنْ حَبَّةِ الْعُرْنِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الظَّهْرِ فَوَقَفَ بَوَادِي السَّلَامِ كَأَنَّهُ مُخَاطَبٌ لِقَوْمٍ فَقُمْتُ بِقِيَامِهِ حَتَّى أُعْيِيْتُ ثُمَّ جَلَسْتُ حَتَّى مَلَلْتُ ثُمَّ قُمْتُ حَتَّى نَأَلْنِي مِثْلَ مَا نَأَلْنِي أَوْلَاكُمْ ثُمَّ جَلَسْتُ حَتَّى مَلَلْتُ ثُمَّ قُمْتُ وَجَمَعْتُ رِدَائِي فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي قَدْ أَشْفَعْتُ عَلَيْكَ مِنْ طُولِ الْقِيَامِ فَرَأَحَهُ سَاعَهُ ثُمَّ طَرَحَتِ الرِّدَاءَ لِيَجْلِسَ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي يَا حَبَّةُ إِنَّ هُوَ إِلَّا مُحَادَثَةُ مُؤْمِنٍ أَوْ مُؤَانَسَتُهُ قَالَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّهُمْ لَكَذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ لَوْ كُشِفَ لَكَ لِرَأْيَتِهِمْ حَلَقًا حَلَقًا مُحْتَبِينَ يَتَحَادَثُونَ فَقُلْتُ أَجْسَامٌ أَمْ أَرْوَاحٌ فَقَالَ أَرْوَاحٌ وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا قِيلَ لِرُوحِهِ الْحَقِي بَوَادِي السَّلَامِ وَ إِنَّهَا لِبُقْعَةٍ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ.^۱

حبه عنری گوید که: به همراه امیر المؤمنین علیه السلام به پشت کوفه رفتم، در وادی السلام ایستاد و گویا با مردمی گفتگو میکرد، من با او ایستادم تا خسته شدم و نشستم تا دلتنگ شدم و باز ایستادم تا مانند نخست شدم باز هم نشستم تا دلتنگ شدم باز برخاستم و ردایم را جمع کردم و گفتم: ای امیر المؤمنین من از طول ایستادن تو نگرانم ساعتی آسایش، سپس رداء را انداختم تا بر آن بنشیند، بمن فرمود: ای حبه جز گفتگو و انس با مؤمن نیست.

گفتم: ای امیر المؤمنین راستی آنها هم چنین اند؟ فرمود: آری، و اگر پرده برایت برداشته شود بینی جوقه جوقه گرد هم زانو زده و گفتگو با هم دارند، گفتم تنها هستند یا ارواحند؟ فرمود: ارواحند، هیچ مؤمنی در هیچ جای زمین نمیرد جز بروحش گفته شود، بوادی السلام برس که آن البته بقعه ایست از بهشت عدن.

تشریف سید ابوالحسن اصفهانی در مقام صاحب الزمان علیه السلام

در زمان مرجعیت آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی یکی از علمای اهل تسنن بغداد در مذمت شیعیان، شانزده بیت شعر، معروف به «قصیده ی بغدادیه» سرود و در آن ابیات، اعتقاد شیعیان به امام زمان علیه السلام را مورد استهزاء قرار داد و [به استهزا] نوشته بود که شیعیان انتظار دارند که مهدی از سرداب بیرون بیاید.

وی اشعارش را برای بعضی از علمای نجف و سایرین نیز فرستاد^۱ از جمله، اشعار وی به دست سید بحر العلوم یمنی که از علمای زیدیه در یمن بود و وجود حضرت ولی عصر علیه السلام را انکار می کرد نیز رسیده بود. سید یمنی با علماء و مراجع شیعه‌ی آن روز مکاتبه کرد و برای اثبات وجود و حیات آن حضرت، برهان خواست و علمای بزرگوار هر چه از کتب اخبار و تواریخ عامه و خاصه اقامه دلیل کردند، قانع نشد و می گفت: من هم این کتب را دیده‌ام [ولی جواب قاطعی می خواهم].

آیه الله میرجهانی که از ملازمان مرجع بزرگ جهان تشیع، مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی بود [و به عنوان نویسنده و مسئول امور مالی در دفتر وی خدمت می کرد] نقل فرمود که روزی به همراه جمعی از بزرگان، در محضر آن مرجع والامقام بودم که نامه‌ای از یک دانشمند زیدی مذهب یمنی به دست ایشان رسید، که اشعار معروف به «قصیده بغدادیه» را در داخل آن قرار داده و خطاب به مرحوم آیه الله اصفهانی نوشته بود: اگر جواب قانع کننده‌ای به این اشعار داشته باشید برای من بنویسید ولی اگر می خواهید به این کتاب و آن کتاب حواله دهید نمی خواهم^۲ مرحوم سید نامه را خواندند و خندیدند و سپس آن را به صدای بلند خواندند و همان وقت جواب نامه‌ی او را نوشتند و در ضمن نوشتند: «شما به نجف مشرف شوید تا من امام زمان علیه السلام را به شما نشان بدهم!». نامه را مهر کردند و به دامادشان سید جواد اشکوری دادند و فرمودند: ببر و در پست بینداز.

۱. از جمله آن ها برای شیخ محمد حسین کاشف الغطاء فرستاده بود و مرحوم کاشف الغطاء در جواب آن شانزده بیت ۱۶۰ بیت بر همان وزن سروده بود و در آنها اسامی علمای سنی که قائل به امامت و مهدویت هستند و اسامی کتاب های آن ها را ذکر کرده بود.

۲. رازی، شیخ محمد شریف کرامات الصالحین، نشر حاذق ص ۸۸ [با اندکی تلخیص]

دو ماه از این قضیه گذشت. شبی بعد از این که مرحوم آسید ابو الحسن در صحن امیر المؤمنین علیه السلام نماز مغرب و عشاء را خواندند، یکی از شیوخ عرب به نام شیخ عبد الصّاحب آمد و به ایشان گفت:

بحر العلوم یمنی به نجف آمده است و در فلان جا منزل کرده است. سید فرمودند: باید همین حالا به دیدنش برویم. ایشان همراه با عده‌ای از علماء برای دیدن بحر العلوم حرکت کردند. بنده، دامادهایشان و پسرشان سید علی هم در آن جمع حضور داشتیم. بالاخره وقتی رسیدیم و تعارف به عمل آمد، بحر العلوم یمنی شروع به صحبت کردن در آن زمینه کرد. سید ابو الحسن فرمود: الان من عجله دارم و وقت مناسبی برای صحبت کردن نیست؛ شما فردا شب برای شام به منزل ما بیایید تا آنجا با هم صحبت کنیم. سپس سید برخاست و همه با هم به منزل بازگشتیم. فردا شب، سید بحر العلوم با پسرش -سید ابراهیم- به منزل آسید ابو الحسن آمدند. پس از صرف شام، سید خادمشان را صدا زدند و فرمودند: مشهدی حسین! چراغ را روشن کن می‌خواهیم بیرون برویم. [در آن زمان برق نبود و باید با چراغ فانوس بیرون می‌رفتند].

مشهدی حسین آماده بیرون رفتن شد و ما هم خواستیم همراه آنان برویم، اما سید فرمودند: «نه هیچکدامتان نیاید». هر چهار نفر آنها بیرون رفتند و چون تا برگشتن آن‌ها زمان زیاد گذشت، ما آن شب نفهمیدیم که کجا رفتند. فردا صبح از سید ابراهیم -پسر بحر العلوم یمنی- سوال کردیم که دیشب کجا رفتید؟ سید ابراهیم خندید و با خوشحالی گفت:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ اسْتَبْرَأْنَا بِبَرَكَةِ الْإِمَامِ السَّيِّدِ أَبِي الْحَسَنِ»؛

[ما به برکت امام سید ابو الحسن شیعه شدیم].

گفتیم: کجا رفتید؟ گفت:

«رَحْنَا بِالْوَادِي مَقَامِ الْحَجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛

[در وادی السلام به مقام حضرت حجت علیه السلام رفتیم].

وقتی به اطراف مقام رسیدیم، سید ابو الحسن چراغ را از خادمشان گرفتند و گفتند: اینجا بنشین تا ما بر گردیم. مشهدی حسین همانجا نشست و ما سه نفر وارد مقام شدیم. وقتی در فضای مقام داخل شدیم، سید چراغ را زمین گذاشتند و کنار چاه

رفتند و وضو گرفتند و داخل مقام شدند و ما بیرون مقام قدم می‌زدیم. سپس سید ابو الحسن مشغول نماز شد. پدرم چون معتقد به مذهب شیعه نبود لبخند می‌زد و می‌خندید. ناگهان -از داخل مقام- صدای صحبت کردن بلند شد. پدرم با تعجب به من گفتم: کسی اینجا نبوده است! آقا با چه کسی صحبت می‌کنند؟! دو سه دقیقه صدای صحبت‌ها را می‌شنیدیم اما تشخیص نمی‌دادیم که صحبت درباره چیست و هیچ یک از مطالب مشخص نبود.

ناگهان سید صدازد: «بحر العلوم! داخل شو» پدرم داخل شد. من هم خواستم به داخل مقام بروم اما سید فرمود: «نه، تو نیا!» باز به قدر چهار پنج دقیقه صدای صحبت می‌شنیدم اما صحبت‌ها را تشخیص نمی‌دادم. ناگهان یک نوری که از آفتاب روشن‌تر بود، در مقام حضرت حجت (علیه السلام) تابش کرد و پدرم صیحه‌ی عجیب و بلندی کشید و صدایش خاموش شد.

سپس سید ابو الحسن صدای زد: سید ابراهیم! بیا پدرت حالش به هم خورده است، آب به صورتش بزن و شانه‌هایش را بمال. من هم به صورت پدرم آب زدم و شانه‌هایش را مالیدم. پدرم چشم‌هایش را باز کرد و با صدای بلند گریه کرد و بی اختیار از جا بلند شد و روی قدم‌های سید ابو الحسن افتاد و پاهای سید را می‌بوسید و دور سید طواف می‌کرد و می‌گفت:

«یا بن رسول الله! یا بن رسول الله! یا بن رسول الله! التوبه! التوبه! التوبه!»

پس از آن، سید ابوالحسن مذهب شیعه را به او تعلیم دادند و او شیعه شد و من هم شیعه شدم.

به هر حال این قضیه گذشت و بحر العلوم هم به یمن بازگشت. چهارماه بعد، زوآر یمنی به نجف آمدند و نامه‌ای از سید بحر العلوم به همراه مبالغ زیادی پول برای آ سید ابوالحسن آوردند. او در نامه از سید تشکر و قدردانی کرده و نوشته بود: «از برکت عنایت و هدایت شما، تا کنون دو هزار و آندی از مقلدین من شیعه‌ی دوازده امامی شده‌اند.»^۱

۱. شریف رازی، کرامات الصالحین، ص ۸۸ محدث نوری، جنه المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة، ص ۳۶۴.

عبور حضرت مهدی علیه السلام از وادی السلام در ظهور

این مکان محل عبور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانشان به سوی کوفه می باشد.

«وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَرُ يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرَقًّا اللَّهُمَّ مَعَزَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ وَمُدْلٍ كُلِّ جَبَّارٍ عَنَيْدٍ أَنْتَ كَفَيْتَنِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبَ وَتَضَيِّقُ عَلَيَّ الْأَرْضَ بِمَا رَحِبَتْ اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَنِّي خَلَقْتَ لِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنَ مَوَاضِعِهَا وَ مُخْرَجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعِزُهُ يَتَعَزَّوْنَ يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ عَلَيَّ أَعْنَاقِهِمْ فَهَمُّ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُدْعُونٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تُكْفِينِي وَ تُقْضِيَ حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«گویی او را با چشم خود می بینم که از «وادی السلام» عبور کرده و بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش می درخشد و برق می زند به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه ای دارد و خدای را این گونه می خواند: لَالَهُ الْأَلَّهُ حَقًّا حَقًّا...»^۱

مرحوم قاضی طباطبائی

سید علی قاضی طباطبائی (۱۳۶۶-۱۲۸۲ق)، عارف، عالم و استاد اخلاق حوزه علمیه نجف در قرن چهاردهم قمری بود. برخی از علما، فقیهان و مراجع تقلید در مکتب اخلاقی او حضور داشته‌اند.

از شاگردان وی، می‌توان به سیدمحمد حسین طباطبائی، سید هاشم موسوی حداد و محمد تقی بهجت اشاره کرد.

کوفان پایتخت آینده جهان ۵۱

قاضی طباطبایی در عرفان از طریقه ملا حسینقلی همدانی پیروی می‌کرد و رسیدن سالک به مقام توحید را بدون پذیرفتن ولایت ائمه علیهم‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام امکان‌پذیر نمی‌دانست. در طریقت عرفانی او انجام مستحبات، رفتن به زیارت قبور، توسل به امام حسین علیه‌السلام و انتخاب استاد جایگاه مهمی داشت. رساله سیر و سلوک بحرالعلوم را بهترین کتاب عرفانی می‌دانست و روش احراق را توصیه می‌کرد. از وی کراماتی نیز نقل شده است.

مرحوم قاضی در سال‌های آخر عمر به بیماری مبتلا شد و در ۶ ربیع‌الاول ۱۳۶۵ ق، برابر ۲۰ بهمن ۱۳۲۴ ش درگذشت.^۱ سید جمال‌الدین گلپایگانی بر او نماز خواند و در وادی السلام، نزدیک مقام امام زمان علیه‌السلام در کنار پدرش به خاک سپرده شد.^۲

اثیب یمانی (صافی صفا یمانی)

شیخ محمد حرزالدین در باره ی قبر یمانی می‌نویسد: آرامگاه این صحابی در میان مسجد مقام حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و صحن مستطیل شکل عمارت قرار دارد. پیرامون صحن چند خانه مسکونی قرار دارد که خادمان این مکان در آن سکونت دارند. در جهت شمالی صحن حوض آب و یک چاه آب وقفی برای وضو و طهارت زائران قرار داشت.

دلیل تاریخی که نشان می‌دهد حضرت امیرالمؤمنین در این مکان نماز می‌خواندند به این شرح است:

در این مکان دو سنگ نبشته ی سفید پیدا شده که دو قصیده بر آن نقش بسته و در هر کدام از این دو قصیده ذکر شده که این مکان مقام حضرت امیرالمؤمنین می‌باشد. سنگ نبشته ی اول بالای محراب قرار داشت و قصیده ای شامل دوازده بیت با حرف روی (هاء) بر آن نقش بسته و در آن به این مقام که مقام حضرت امیرالمؤمنین است اشاره شده است. مطلع این قصیده چنین است:

شاد مقام الطهر مولی أعلاما مقامات الوری قدره

۱. سابقه سجل احوال آیت الله قاضی

۲. آقابزرگ طهرانی، ج ۱، قسم ۴، ص ۱۵۶۵-۱۵۶۶؛ مقاله یادنامه عارف کبیر، ص ۱۴-۱۵

قصبه ی نقش بسته بر سنگ نبشته ی دوم از سنگ نبشته ی اول واضحتر است و بر دیوار چپ عمارت (به طرف قبله) نزدیکی محراب مسجد قرار دارد. این سنگ نبشته تاریخ ۱۱۷۰ هجری را نشان می دهد و قصبه ای شامل ده بیت و با حرف روی (میم) نقش بسته که به مقام امیرالمؤمنین نیز اشاره دارد. مطلع این قصبه به این شرح است:

فناهیک صرحا یزدری کل منزل أناخ علی العلیا بأعظم کلکل

این مکان امروزه از مساجد قدیمی نجف به شمار می رود. شیخ محمد حرزالدین می گوید: این مسجد جنب مقبره ی الصفا واقع است.

در روایات آمده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ایام خلافت خویش وقتی می خواستند با خویش خلوت کنند به این مکان می آمدند. روزی وقتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این مکان به راز و نیاز مشغول بودند یک شترسوار که جنازه ای به همراه داشت به نزد امام علیه السلام آمد. مرد شتر سوار به امام سلام کرد. امام پاسخ سلام را دادند و پرسیدند: از کجا آمده ای؟ آن مرد گفت: از یمن. امام علیه السلام پرسید: این جنازه ی کیست که به همراه داری؟ مرد پاسخ داد: این جنازه ی پدرم است که برای دفن کردنش به اینجا آمده ام. امام علیه السلام پرسیدند: چرا در سرزمین خود دفنش نکردید؟ مرد گفت: خود پدرم وصیت کرد که مرا در این مکان دفن کنید. پدرم می گفت در این سرزمین مردی دفن خواهد شد که مردمی را به اندازه ی قبیله ی ربیع و مضر شفاعت خواهد کرد. امام فرمودند: آیا این مرد را می شناسی؟ مرد گفت: خیر. امام علیه السلام فرمودند: به خدا قسم من همان مردی هستم که تو می گویی. سپس جنازه را به خاک سپردند.

بعدها این مکان "صافی صفا" نام گرفت و در کنار آن مسجدی ساخته شد. احتمال می رود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در همین مکان عبادت می کردند و بر جنازه ی یمانی نماز خواندند.^۱

نجف در ظهور

۱. عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ:

۱. حرز الدین : معارف الرجال ۱۲۵/۳. محبوبه : ماضی النجف وحاضرها ۴/۲، ۴. الامین : أعيان الشيعة ۴۰۲/۱

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بُنُورِ رَبِّهَا ... وَ يَبْنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفَ بَابٍ وَ تَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءِ وَ بِالْحَيْرَةِ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَعْلَةٍ سَفَوَاءٍ يُرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يَدْرِكُهَا.»^۱

هنگامی که قائم ما قیام کند زمین از نور پروردگار روشن گردد ... و در بیرون از شهر کوفه مسجدی با هزار در ساخته می‌شود و خانه‌های شهر به نهر کربلا وصل می‌گردند؛ توسعه شهرها چنان خواهد بود که مردی سوار بر استر تیزرو به قصد نماز جمعه حرکت می‌کند؛ اما بر اثر فاصله فراوان مکان و فراخی شهر به آن نمی‌رسد.

۲. عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذَكَرَ الْمُهَدِيَّ فَقَالَ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَ بِهَا ثَلَاثُ رَأْيَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ فَتَصْعُقُو لَهُ وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمُنْبَرَّ فَيَخْطُبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ فَإِذَا كَانَتْ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ سَأَلَهُ النَّاسُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمْ الْجُمُعَةَ فَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ لَهُ مَسْجِدٌ عَلَى الْغُرَى وَ يُصَلِّيَ بِهِمْ هُنَاكَ ثُمَّ يَأْمُرُ مَنْ يَحْفَرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ ع نَهْرًا يَجْرِي إِلَى الْغُرِيِّينَ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَاءُ فِي النَّجْفِ وَ يَعْمَلُ عَلَى فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِيرُ وَ الْأُرْحَاءُ فَكَأَنِّي بِالْعَجُوزِ عَلَى رَأْسِهَا مَكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ تَأْتِي تِلْكَ الْأُرْحَاءُ فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَاءٍ.^۲

عمرو بن شمر، از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده و گفت: هنگامیکه حضرت مهدی علیه السلام را یاد می‌کرد فرمود: وارد کوفه می‌شود در حالیکه سه پرچم در آن می‌باشد که در اضطراب و اختلاف می‌باشند و تسلیم حضرت می‌کردند. هنگام ورود بر منبر رفته و خطبه می‌خواند، اما مردم از شدت گریه نمی‌فهمند که حضرت چه می‌گوید. هنگامیکه جمعه دوم می‌آید مردم از حضرت درخواست می‌نمایند که با آنها نماز بخواند. پس حضرت امر می‌فرماید که در غری، مسجدی را خط بکشند (دور این محل مسجد را خط بکشند) و با مردم در آنجا نماز می‌گذارد. سپس امر می‌فرماید پشت حرم و محل شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نهری را حفر کرده که به سمت غربین،

۱. طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة (للطوسی) / کتاب الغيبة للحجة؛ النص؛ ص ۶۸

۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲؛ ص ۳۸۰

(نجف و کوفه) جاری می گردد تا آنکه آب به نجف می رسد آنگاه بر دهانه نهر پلها و اسباب هائی می سازد گویا می بینم که پیرزنی گندم خود را در زنبیل بر سر گذاشته و به اسباب آمده و بدون اجرت و کرایه گندمهای خود را آرد می نماید.

برخی معارف مولا علی علیه السلام

چابکی در راه ولی خدا

«عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَأَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَجُلًا مِنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ عَهْدِ طَوِيلٍ وَقَدْ أَثَرَ السِّنُّ فِيهِ وَكَانَ يَتَجَلَّدُ فِي مَشِيَّتِهِ فَقَالَ عليه السلام كَبُرَ سُنْكُ يَا رَجُلُ قَالَ فِي طَاعَتِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عليه السلام إِنَّكَ لَتَتَجَلَّدُ قَالَ عَلِيُّ أَعْدَائِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عليه السلام أَجِدُ فِيكَ بَقِيَّةَ قَالَ هِيَ لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.»^۱

«امیر المؤمنین علیه السلام یکی از شیعیانش را پس از دیر زمانها دیدار کرد سن او گذشته بود و چابک راه میرفت. باو فرمود پیر شدی ای مرد گفت در طاعت تو ای امیر المؤمنین. فرمود چابک میروی گفت بقصد دشمنانت ای امیر المؤمنین. فرمود هنوز در تو توانی مانده عرض کرد تقدیم آستانت یا امیر المؤمنین.»

دنیا چون گردویی در کف مولا

مرحوم علامه‌ی مجلسی از یکی از روایان به نام حمزه بن عبدالله جعفری از امام رضا علیه السلام نقل می کنند:

كَتَبْتُ فِي ظَهْرِ قُرْطَاسٍ أَنَّ الدُّنْيَا مُمَثَّلَةٌ لِلْإِمَامِ كَفَلَقَهُ الْجَوْزَةُ فَدَفَعْتُهُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ أَصْحَابَنَا رَوَوْا حَدِيثًا مَا أَنْكَرْتَهُ غَيْرَ أُنِّي أُحِبُّتُ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْكَ قَالَ فَنَظَرَ فِيهِ ثُمَّ طَوَّاهُ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ شَقَّ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ هُوَ حَقٌّ فَحَوْلَهُ فِي أَدِيمِي.»^۲

۱. شیخ صدوق، الأمالی (للصدوق)، النص، ص: ۱۷۷

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۵، ص: ۳۸۱

کوفان پایتخت آینده جهان ۵۵

«می‌گوید: روی صفحه‌ی کاغذی نوشتم، دنیا برای امام مانند یک پاره‌ی گردوست [که در دست کسی باشد. همان گونه که او محیط و مسلط بر آن پاره‌ی گردوست، تمام دنیا برای امام این چنین است و امام احاطه و سلطه‌ی کامل بر تمام دنیا دارد] و آن نوشته را به امام رضا علیه السلام دادم، سپس گفتم؛ فدایت شوم، اصحاب ما حدیثی را نقل کرده‌اند. البتّه، من منکر آن نیستم ولی دوست دارم آن را از خود شما بشنوم، [امام نوشته را گرفت] در آن نگاه کرد و بعد، آن را پیچید، طوری که من گمان کردم آن نوشته در نظرش سنگین و غیر صحیح آمده است. سپس فرمود: این حقّ است و درست است. این را به روی چرمی منتقل کن».

حدیث دیگری قریب به این مضمون در شرح اربعین مرحوم قاضی سعید قمی، که از بزرگان و صاحبان علم و معرفت است، نقل شده است. آن عالم بزرگ از مرحوم سید مرتضی (علم الهدی)، که ایشان نیز از اعظام علمای مذهب به شمار می‌رود، نقل می‌کند که روزی قبر، غلام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، به در خانه‌ی امام آمد و آن حضرت را در خانه ندید. از فضّه، خدمتکار منزل، جویای حال امام شد. گفت: «انّ المولّی عرجَ اِلَى السَّماءِ ذَاتِ البُرُوجِ لِتَقْسِیمِ ارْزاقِ العِبَادِ» «مولا برای تقسیم ارزاق بندگان به آسمان رفته است».

این سخن بر قبر سنگین آمد و آن را حمل بر مزاح یا اشتباه کرد و به سمت نخلستان رفت. آنجا امام را زیارت کرد و ضمناً گفتار فضّه را برای امام به عنوان شکایت از او نقل کرد. امام فرمود: مَهْ یا قَبْرُ و لَعَلَّکَ لَمْ تُؤْمِنْ بِوَلایَتِنَا حَقَّ الْاِیْمَانِ «ساکت باش ای قبر، تو گویی هنوز آن چنان که باید، به ولایت ما ایمان نیاورده ای». آنگاه دستی بر چشم‌های قبر کشید و فرمود: «أَیَّ شَیْءٍ تَرَى» «چه می‌بینی؟» قبر می‌گوید: «رَأَيْتُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَجَوْزَةٍ فِی یَدِ الْمَوْلَى» «آسمان‌ها و زمین را مانند یک دانه‌ی گردو در دست مولا مشاهده کردم».

نگین انگشتر

«کَثِیرُ بَنُ طَارِقٍ، مِنْ وَالدِ قَبْرِ مَوْلَى عَلِیِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِی زَیْدُ بَنُ عَلِیِّ علیه السلام فِی جَارِ سُجِّ کِنْدَةَ بِالْکُوفَةِ: أَنَّ أَبَاهُ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:

أَعْطَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاتَمًا فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، خُذْ هَذَا الْخَاتَمَ لِلنَّقَاشِ، لِيَنْقُشَ عَلَيْهِ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، فَأَخَذَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ النَّقَّاشَ، وَقَالَ لَهُ: انْقُشْ عَلَيْهِ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، فَتَقَشَّ النَّقَّاشُ، وَأَخْطَأَتْ يَدُهُ، فَتَقَشَّ عَلَيْهِ: مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ، فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَا فَعَلَ الْخَاتَمُ فَقَالَ: هُوَ ذَا، فَأَخَذَهُ وَنَظَرَ إِلَى نَقْشِهِ، فَقَالَ: مَا أَمَرْتُكَ بِهَذَا، قَالَ: صَدَقْتُ، وَ لَكِنْ يَدِي أَخْطَأَتْ، فَجَاءَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا نَقَشَ النَّقَّاشُ مَا أَمَرْتُ بِهِ، ذَكَرَ أَنَّ يَدَهُ أَخْطَأَتْ، فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَنَظَرَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَنَا مُحَمَّدُ رَسُولِ اللَّهِ، وَتَحْتَمَ بِهِ، فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّبِيُّ ﷺ نَظَرَ إِلَى خَاتَمِهِ، فَإِذَا تَحْتَهُ مَنْقُوشٌ: عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ، فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ النَّبِيُّ ﷺ فَجَاءَ جَبْرَائِيلُ، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ، كَانَ كَذَا وَكَذَا. فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، كَتَبْتَ مَا أَرَدْتَ، وَكَتَبْنَا مَا أَرَدْنَا.^۱

روزی پیامبر اسلام ﷺ، انگشتر خود را به علی بن ابی طالب علیه السلام سپرد و فرمود: «این انگشتر را نزد حکاک (نگین ساز) ببر، به او بگو که بر نگین آن عبارت: "محمد بن عبد الله" بنویسد.» علی علیه السلام آن انگشتر را گرفت و نزد نگین ساز رفته و از او خواست تا بر نگین این انگشتر کلمه "محمد بن عبد الله" را حکاکی کند.

نگین ساز آن را پذیرفت اما در هنگام کار، دست و قلم او خطا رفته و به جای آن، نقش «محمد رسول الله» نوشت. هنگامی که امام علی علیه السلام خواست انگشتر را بگیرد، در نوشته آن دقت نمود و وقتی دید نقش، غیر از چیزی است که دستور داده بود، به او فرمود: «من چنین موضوعی را نگفته بودم». حکاک اظهار داشت: بلی، صحیح می فرمایید، اما دستم به اشتباه چنین نوشت.

پس حضرت علی علیه السلام آن انگشتر را گرفت و نزد رسول خدا ﷺ آورد و فرمود: «یا رسول الله! حکاک آنچه را گفته بودم، انجام نداده و مدعی است که دستش خطا رفته است.» پیامبر خدا آن انگشتر را گرفت و پس از دقت بر آن فرمود: «ای علی! من محمد بن عبد الله هستم، و همچنین محمد رسول الله نیز هستم و سپس انگشتر را به دست مبارک خود نمودم.»

زمانی که صبح شد و بر انگشتر نگاه کرد، دید زیر آن نوشته شده است: «علی ولی الله» این امر سبب تعجب پیامبر گشت، در همین میان، جبرئیل امین علیه السلام نازل شد و رسول خدا جریان را برای او بازگو نمود. جبرئیل در پاسخ اظهار داشت: «يَا مُحَمَّدُ، كَتَبَتْ مَا أَرَدَتْ، وَ كَتَبْنَا مَا أَرَدْنَا»؛ آنچه را که تو خواستی نوشته شود، نوشتی و آنچه را که ما خواستیم، نوشتیم».

سخنی پیامبر از دوری علی صلوات الله علیهما و آلهما

«عَنْ جَابِرِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَمِّ شُرَحْبِيلَ عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَعَثَ عَلِيًّا عليه السلام فِي سُرِّيَّةٍ قَالَتْ فَرَأَيْتَهُ رَافِعًا يَدَهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي حَتَّى تُرِيَنِي عَلِيًّا»^۱
 «ام عطیه می گوید: دیدم پیامبر ﷺ این دعا را زمزمه می کند: «اللهم لا تمتني»؛ خدايا! مرا نماند. بسیار تعجب کردم، این چه دعایی است که پیامبر می کند؟! اما نیمه دوم این دعا را که شنیدم، تعجبم بر طرف شد: «اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي حَتَّى تُرِيَنِي عَلِيًّا» ام عطیه می گوید: ناگهان یادم افتاد که علی عليه السلام در مسافرت است، لذا پیامبر دعا می کند: خدايا! مرا نماند تا علی را ببینم.»

وادی مورچگان

«عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَمَرَرْنَا بِوَادٍ مَمْلُوءٍ نَمَلًا فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَرَى يَكُونُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى يَعْلَمُ عَدَدَ هَذَا النَّمْلِ قَالَ نَعَمْ يَا عَمَّارُ أَنَا أَعْرِفُ رَجُلًا يَعْلَمُ عَدَدَهُ وَ كَمْ فِيهِ ذَكَرٌ وَ كَمْ فِيهِ أَنْثَى فَقُلْتُ مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ يَا عَمَّارُ مَا قَرَأْتَ فِي سُورَةِ يَسٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ فَقُلْتُ بَلَى يَا مَوْلَايَ فَقَالَ أَنَا ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ»^۲
 عمار یاسر می گوید: در یکی از جنگ های حضرت در حضور او بودم که به بیابانی رسیدیم پر از مورچه به حضرت گفتم: ای امیر المومنین آیا کسی از مخلوقات خداوند را می شناسی که تعداد این مورچه ها را بداند؟

حضرت فرمود: بله ای عمار، من مردی را می شناسم که تعداد این مورچه ها و تعداد نر و ماده آنها را نیز می داند.

۱. کنز الفوائد؛ ج ۱؛ ص ۶۹۲

۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۴۰؛ ص ۱۷۶

گفتم: ای مولای من آن مرد کیست؟

فرمود: ای عمار آیا در سوره یس نخوانده ای «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»

(هر چیزی را ما در امام مبین به شماره آورده ایم)؟

گفتم: آری ای مولای من این آیه را خوانده ام.

حضرت فرمود: من آن «امام مبین» هستم.

اصحاب سوسمار

عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: أَمَرَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَسِيرِ إِلَى الْمَدَائِنِ مِنَ الْكُوفَةِ فَسَرْنَا يَوْمَ الْأَحَدِ وَتَخَلَّفَ عَمْرُو بْنُ حَرْيْثٍ فِي سَبْعَةِ نَفَرٍ فَخَرَجُوا إِلَى مَكَانٍ بِالْحَيْرَةِ تُسَمَّى الْخَوْرَنُقَ قَالُوا نَنْزَرُهُ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ لَحَقْنَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يُجْمَعَ فَبَيْنَا هُمْ يَتَعَدَّوْنَ إِذْ خَرَجَ عَلَيْهِمْ ضَبٌّ فَصَادُوهُ فَأَخَذَهُ عَمْرُو بْنُ حَرْيْثٍ فَبَسَطَ كَفًّا فَقَالَ بَايِعُوهُ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَبَايَعَهُ السَّبْعَةُ وَ عَمْرُو تَأْمَنَهُمْ وَ ارْتَحَلُوا لَيْلَةَ الْأَرْبَعَاءِ فَقَدِمُوا الْمَدَائِنَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْمَنْبَرِ يَخْطُبُ وَ لَمْ يُفَارِقْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ كَانُوا جَمِيعًا حَتَّى نَزَلُوا بَابَ الْمَسْجِدِ فَلَمَّا دَخَلُوا نَظَرَ إِلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَسْرَأَ إِلَيَّ الْفَحْدُ فِي كُلِّ حَدِيثٍ فِي كُلِّ حَدِيثٍ أَلْفَ بَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مُفْتَاخٍ وَ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ يَوْمَ نَدَعُوا كُلَّ أَنْاسٍ بِإِمَامِهِمْ وَ إِنِّي أَقْسَمُ لَكُمْ بِاللَّهِ لَتُبْعَثَنَّ ثَمَانِيَةَ نَفَرٍ إِمَامَهُمُ الضَّبُّ وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَهُمْ فَعَلْتُ قَالَ فَلَوْ رَأَيْتَ عَمْرُو بْنُ حَرْيْثٍ يَنْتَقِضُ كَمَا يَنْتَقِضُ السَّعْفَةُ حَيًّا وَ لَوْ مَا^۱

اصبغ بن نباته گوید: امیر مؤمنان علی علیه السلام به ما دستور داد که از کوفه به سوی مداین

برویم. ما روز یکشنبه حرکت کردیم؛ ولی عمرو بن حرث همراه با هفت نفر

مخالفت ورزید و با ما نیامد، لذا همگی به سوی محلی در حیره به نام خورنق رفته و

گفتند: ما گردش و تفریحی می‌کنیم و روز چهارشنبه حرکت می‌کنیم و پیش از آن

که علی علیه السلام نماز جمعه را اقامه کند، به او می‌پیوندیم. در آن میان که در آنجا مشغول

خوردن غذا بودند ناگه سوسماری پیدا شد، آن را شکار کردند، عمرو بن حرث آن

را به دست گرفت و کف دستش را باز کرد و گفت: با این سوسمار بیعت کنید که

این امیر مؤمنان است، آن هفت نفر بیعت کردند، و عمرو هشتمین نفر بود که بیعت

^۱ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم؛ ج ۱؛ ص ۳۰۶

کرد، آنها شب چهارشنبه از آنجا کوچ کرده و روز جمعه به در مسجد رسیدند، وقتی وارد مسجد شدند، امیر مؤمنان علی علیه السلام نگاهی به آنان کرد و فرمود: ای مردم! به راستی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به صورت محرمانه هزار حدیث به من فرمود که از هر حدیثی هزار باب گشوده می‌شد و هر بابی هزار کلید داشت، و من شنیدم که خداوند متعال می‌فرماید: «روزی که هر مردی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم.» و من به شما به خدا سوگند می‌خورم که حتماً روز رستاخیز هشت نفر با پیشوایشان که سوسماری است- به محشر خواهند آمد، اگر بخواهم نام آنها را بگویم می‌گویم. راوی گوید: بی‌تردید من عمرو بن حریث را دیدم که از شرم و سرزنش همچون شاخه درخت خرما، سر به زیر افکند.

علی علیه السلام خلیفه چهارم

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ [قَالَ] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رَأَيْتُ الْخُلَفَاءَ الْأَرْبَعَةَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ فَقُلْتُ لَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَدْ رَوَيْتُمْ غَيْرَ هَذَا فَأَبَيْتُمْ لِمَا تَكْذِبُونَ قَالَ نَعَمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً فَكَانَ آدَمُ أَوَّلَ خَلِيفَةِ اللَّهِ [قَوْلُهُ تَعَالَى إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً] وَ [قَالَ] إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ^۲ [فَكَانَ دَاوُدَ الثَّانِي] وَ [كَانَ] هَارُونَ خَلِيفَةَ مُوسَى [قَوْلُهُ تَعَالَى اخْلُقْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ]^۳ وَ هُوَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ ص فَمَنْ لَمْ يَقُلْ إِنِّي رَأَيْتُ الْخُلَفَاءَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ.^۴

حسین بن زید از امام صادق علیه السلام و آن حضرت، از پدران بزرگوارشان علیهم السلام نقل می‌فرمایند: مولا امیرمومنان امام علی علیه السلام فرمودند:

هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه میباشم، لعنت خدا بر او باد. حسین بن زید می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: از شما مطلب دیگری، غیر از این روایت شده! آیا تکذیب نمی‌کنید؟ حضرت فرمودند: آری، خداوند متعال در کتاب خود می‌فرماید: "وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً"^۲ «به

۱. البقرة: ۳۰.

۲. سورة ص: ۲۶.

۳. الأعراف: ۱۴۲.

۴. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة: ص ۱۲۵

کوفان پایتخت آینده جهان ۶۰

یاد آر، آنگاه که پروردگارت به ملائکه فرمود: من در زمین خلیفه قرار دادم.» پس آدم اولین خلیفه خداست، به استناد فرمایش الهی که فرمود(أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) «من در زمین خلیفه قرار دادم»

همچنین خطاب به داود عليه السلام می فرماید: «ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم» پس داود عليه السلام دومین خلیفه خداست؛ هارون عليه السلام نیز خلیفه موسی عليه السلام است، خداوند می فرماید: «تو اکنون پیشوای تام و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر» پس هارون عليه السلام خلیفه سوم و امیر مومنان علی عليه السلام نیز خلیفه محمد صلوات الله عليه وآله و چهارمین خلیفه است.

اینگونه است که امیر مومنان عليه السلام می فرمایند: هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه می باشم، لعنت خدا بر او باد.

حدیث حارث همدانی

روایت اول:

عَنْ أَبِي عُمَرَ الْبِرَّازِ، قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ، وَهُوَ يَقُولُ ... سَمِعْتُ الْحَارِثَ الْأَعْوَرَ وَهُوَ يَقُولُ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عليه السلام ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ يَا أَعْوَرَ مَا جَاءَكَ قَالَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاءَ بِي وَاللَّهِ حُبُّكَ، قَالَ، فَقَالَ أَمَا إِنِّي سَأُحَدِّثُكَ لِتَشْكُرَهَا، أَمَا إِنَّهُ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّنِي فَتَخْرُجَ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يُحِبُّ وَلَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُبْغِضُنِي فَتَخْرُجَ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يَكْرَهُ. ^۱

شبی خدمت امیر مومنان عليه السلام رسیدم، فرمود: ای اعور، چه چیز تو را به اینجا آورده؟ گفتم: ای امیر مومنان، به خدا سوگند دوستی تو مرا به اینجا کشانده است. فرمود: اینک تو را خبری دهم که شکرگزار آن باشی، آگاه باش که هیچ بنده ای که مرا دوست می دارد نمیرد و جانش به در نرود تا آن که مرا آن گونه که دوست می دارد ببیند. و هیچ بنده ای که مرا دشمن می دارد نمیرد و جانش به در نرود تا آن که مرا آن گونه که ناخوش می دارد ببیند.

روایت دوم:

عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاذِبِيِّ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: دَخَلَ الْحَارِثُ الْهَمْدَانِيَّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي نَفَرٍ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ كُنْتُ فِيهِمْ، فَجَعَلَ - يَعْنِي الْحَارِثَ - يَتَأَوَّدُ فِي مَشِيَّتِهِ وَيَخْبِطُ الْأَرْضَ بِمِحْجَنِهِ وَ كَانَ مَرِيضًا، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ كَانَتْ لَهُ مِنْهُ مَنَزَلَةٌ، فَقَالَ: كَيْفَ تَجِدُكَ، يَا حَارِثُ قَالَ: نَالَ الدَّهْرُ مِنِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ زَادَنِي أَوْرَأًا وَ غَلَبْنَا اخْتِصَامُ أَصْحَابِكَ بِبَابِكَ.

حارث همدانی روزی در میان جماعتی از شیعیان بخدمت امیر المؤمنین عليه السلام رفت؛ و اصبغ بن نباته نیز گوید که: من در آن میان بودم و حارث پیر و بیمار بود کج و راست میشد در رفتن و عصا را بر زمین میکشید و بهر طرف مینهاد بی اختیار تا بخدمت آن حضرت رسید.

و او پیش امیر المؤمنین عليه السلام قرب و منزلتی داشت فرمود که ای حارث خود را چون می یابی؟

گفت: زمانه مرا دریافته یا امیر المؤمنین، و آلم و حرارت درون و رنج بدنی بر من غالب و زیاده شده بواسطه خصومت أصحاب در بارگاه تو.

... وَ أَبْشُرُكَ - يَا حَارِثَ - لَيْعْرِفُنِي، وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ، وَ لِيَّيْ وَ عَدَوِّي فِي مَوَاطِنَ شَتَّى، لَيْعْرِفُنِي عِنْدَ الْمَمَاتِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمُقَاسَمَةِ. قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الْمُقَاسَمَةُ، يَا مَوْلَايَ قَالَ: مُقَاسَمَةُ النَّارِ، أَقَاسِمُهَا قِسْمَهُ صِحَاحًا، أَقُولُ: هَذَا وَ لِيَّيْ، وَ هَذَا عَدَوِّي.

ثُمَّ أَخَذَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِيَدِ الْحَارِثِ وَ قَالَ: ... خُذْهَا إِلَيْكَ يَا حَارِثُ قَصِيرَةً مِنْ طَوِيلِهِ، أَنْتَ مَعَ مَنْ أَحْبَبْتَ، وَ لَكَ مَا أَحْتَسِبْتَ أَوْ قَالَ: مَا اكْتَسَبْتَ قَالَهَا ثَلَاثًا.

فَقَالَ الْحَارِثُ وَ قَامَ يَجْرُ رِدَاءَهُ جَذْلًا: مَا أَبَالِي وَ رَبِّي بَعْدَ هَذَا، مَتَى لَقِيتَ الْمَوْتَ أَوْ لَقِيتَنِي.^۱

و من بشارت می دهم ترا با ای حارث تا مرا بشناسی و بخدای که دانه شکافته از زمین بیرون می آرد و خلق را می آفریند که دوست و دشمن من در مواطن و مواضع متفرق اند، هر آینه خواهند شناخت مرا نزد وفات و ممات، و نزد صراط و مقاسمه؛ حارث گفت: ای مولای من چه چیز است مقاسمه؟

فرمود آن حضرت که: مقاسمه بهشت و دوزخ آنجا قسمت صحیح درست خواهم کرد و گفت که: این دوست منست و این دشمن من.

بعد از آن امیر المؤمنین علیه السلام دست حارث را گرفت و فرمود که: ... ای حارث و سخن کوتاه کن، تو با کسی محشور شوی که او را دوست داری، و از برای تست آنچه کسب کرده و اندوخته، و این را سه بار فرمود.

آنگاه حارث برخاست و ردای خود را بزمین میکشید از فرح و سروری که داشت و میگفت که:

باک ندارم بعد از اینکه ملاقات نمایم بمرگ یا مرگ بمن ملاقات کند- بخدا سوگند که چنین است.»

سید حمیری از شعرای اهل بیت علیهم السلام متن روایت را به صورت شعر در آورده است:

| | |
|---|--------------------------------------|
| يَا حَارِ هَمْدَانَ مَنْ يَمُتْ يَرِنِي | مِنْ مُؤْمِنٍ أَوْ مُنَافِقٍ قُبُلًا |
| يَعْرِفُنِي طَرْفُهُ وَأَعْرِفُهُ | بِنَعْتِهِ وَاسْمِهِ وَمَا فَعَلًا |

میرزا ابوالقاسم شیرازی، از عالمان و بزرگان مشایخ شیراز در قرن سیزدهم هجری است و این ابیات زیر به ایشان منسوب است:

| | |
|-------------------------------------|-----------------------|
| ای که گفتمی «فَمَنْ يَمُتْ يَرِنِي» | جان فدای کلام دلجویت |
| کاش روزی هزار مرتبه من | مُردمی تا بدیدمی رویت |